



جامعة المصطفى العالمية

جزوة درسی

تاریخ و سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام (۲)

(دوره کارشناسی)

گروه تاریخ اسلام

گرد آورنده:

سید قاسم رزاقی موسوی

مدرسه:

مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)

مجمع الطلاب

منبع جزوات و نمونه سؤالات حوزوی

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۲
مقدمات بحث	۵
۱) هدف بعثت پیامبران: تعلیم و تربیت انسان	۵
۲) دین مایه حیات فرد و جامعه:	۶
۳) مبلغ معارف الهی جایگاه بزرگی نزد خداوند متعال دارد؛	۶
۴) تعلیم و تربیت و نفوذ در قلب انسانها و ایجاد تحول مطلوب در آن امری بس دشوار است	۶
۵) کامیابی پیامبران و ائمه (ع) در انجام رسالت و اتمام حجت بر مردم:	۶
۶) اهمیت شناخت جایگاه اهل بیت (ع) در بارگاه الهی	۷
○ اهمیت زیارت جامعه کبیره و نقش آن در معرفی اهل بیت (ع) و جایگاه آنان:	۷
۷) تفاوت شیوه ها و موضعگیری های اهل بیت (ع) به دلیل تفاوت شرایط سیاسی و اجتماعی:	۷
۸) حجیت سیره اهل بیت (ع)	۸
۹) پیچیدگی تعلیم و تربیت و آموزش مسائل دینی با توجه به پیچیدگی های زندگی عصر جدید:	۸
۱۰) نبرد فرهنگی و اندیشه، نبرد واقعی در جهان معاصر:	۸
۱۱) ویژگی های تبلیغ و رساندن پیام الهی:	۸
۱۲) سیره: روش و شیوه معصومان (ع) در رساندن پیام الهی	۸
فضائل معصومان (ع) و نقش آنها در تبلیغ	۹
۱. ایمان راسخ به اسلام:	۱۰
✓ آثار ایمان:	۱۰
نمونه ها:	۱۱
۲. پارسایی و عمل به احکام الله:	۱۴
۳. آگاهی و بصیرت:	۱۶
آسیب ها و هشدارها:	۲۰
۴. صراحت در بیان:	۲۱

۵. فصاحت و بلاغت: ..... ۲۲
۶. عبادت و عبودیت: ..... ۲۲
۷. نظم و انضباط: ..... ۲۴
۸. آراستگی ظاهر: ..... ۲۴
۹. هدایت پذیر دانستن انسان ها: ..... ۲۵
۱۰. دلسوزی و جدیت: ..... ۲۶
۱۱. شجاعت و شهامت: ..... ۲۶
۱۲. حسن خلق: ..... ۲۷
۱۳. تواضع و فروتنی: ..... ۲۷
۱۴. زهد و به رغبتی به دنیا: ..... ۲۸
- روش های تبلیغی معصومان علیهم السلام ..... ۲۹
۱. منطقی و مستدل بودن: ..... ۲۹
۲. پرسش و پاسخ: ..... ۳۰
۳. پرهیز از نقل ظنیات: ..... ۳۱
۴. استفاده از هنر: ..... ۳۱
۵. تحلیل و تبیین: ..... ۳۳
۶. یاری گرفتن از دیگران و پرهیز از تک محوری و فردگرایی: ..... ۳۴
۷. بسترسازی اجتماعی: ..... ۳۴
۸. برخورد منطقی با مخالفان: ..... ۳۵
۹. تکرار دلنشین: ..... ۳۶
۱۰. مختصر و مفید سخن گفتن: ..... ۳۷
۱۱. به کار گیری وسائل مشروع: ..... ۳۷
۱۲. تکریم مخاطب: ..... ۳۸
۱۳. استفاده از همه ی فرصت ها. .... ۳۸

۱۴. متناسب با فهم مخاطب سخن گفتن: ..... ۳۹
۱۵. بیان تدریجی: ..... ۳۹
۱۶. توجه به همه ابعاد دین: ..... ۴۰
۱۷. غیرت دینی: ..... ۴۰
- سیره سیاسی معصومان علیهم السلام ..... ۴۱
- برخی اصول و سیره حکومتی آن بزرگواران ..... ۴۳
- سیره اجتماعی معصومین علیهم السلام ..... ۵۰
۱. اصل حفظ حدودالله: ..... ۵۰
۲. اصل تعادل و میانه روی: ..... ۵۱
۳. اصل عزت، عزتمداری و عزت خواهی: ..... ۵۲
۴. اصل رفق و مدارا/ جاذبه و دافعه: ..... ۵۳
- سیره مدیریتی ائمه معصومین علیهم السلام ..... ۵۴
- اصول مدیریت در سیره ائمه علیهم السلام ..... ۵۵

## مقدمات بحث

۱. قرآن:

۲. سنت:

أ. قولی

ب. عملی = سیره:

➤ تاریخ و سیره: کلیات و ضروریات بحث: (حجیت سیره، دلایل، اثبات از قرآن)

➤ بررسی های عملی و میدانی سیره:

۱. فرهنگ و تبلیغی

۲. اجتماعی

۳. سیاسی

۴. اقتصادی

مهمترین مسئله زندگی معصومان (ع) هدایت مردم و تبلیغ دین

اساس پژوهش:

### (۱) هدف بعثت پیامبران: تعلیم و تربیت انسان

❖ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الجمعه: ۲)

❖ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (البقره: ۱۵۱)

○ واگذاری این هدف پس از پیامبر (ص) به امامان معصوم (ع)

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (النساء: ۵۹)

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (التوبة: ۱۱۹)

○ عالمان پارسا عهده دار این مسئولیت در عصر غیبت:

❖ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَ يَأْمُرُونَ بِاللِّعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: ۱۰۴)

❖ وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبة: ۱۲۲)

پیامبر (ص) می فرماید:

❖ «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): رحم الله خلفائي، فقيل: يا رسول الله، ومن خلفاؤك؟ قال: الذين يحيون سنتي ويعلمونها عباد الله» (بحار الانوار، ج ۲/ ص ۲۵)

## ۲) دین مایه حیات فرد و جامعه:

ابلاغ پیام الهی = حیات بخشیدن به مردم،

پیامبران، ائمه (ع) و علماء و فقهاء حیات بخش جامعه هستند.

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (الانفال: ۲۴)

## ۳) مبلغ معارف الهی جایگاه بزرگی نزد خداوند متعال دارد:

❖ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (فصلت: ۳۳)

پیامبر (ص) می فرماید:

❖ «نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها أَوْ بَلَّغَهَا إِلَيَّ مَنْ لَمْ يَسْمَعْها» (کافی، ج ۱/ ص ۴۰۳)

## ترجیح داشتن راوی حدیث بر عابد:

معاویه بن عمار می گوید:

❖ «قلت لابی عبدالله علیه السلام: رجل راویة لحديثكم بیث ذلك فی الناس ویشدده فی

قلوبهم وقلوب شیعتکم، ولعل عابدا من شیعتکم لیست له هذه الروایة، ایهما افضل؟ قال

علیه السلام: الراویة لحديثنا یشد به قلوب شیعتنا افضل من الف عابد. « (بصائر الدرجات

ص ۲۷)

پیامبر (ص) می فرماید:

❖ «من أسلم علی یدیه رجل وجبت له الجنة» (المعجم الكبير، ج ۱۷/ ص ۲۸۵)

## ۴) تعلیم و تربیت و نفوذ در قلب انسانها و ایجاد تحول مطلوب در آن امری بس دشوار است

خداوند پاکترین و مستعد ترین انسانها را برای انجام مسئولیت برگزید.

حضرت موسی(ع):

❖ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا

قَوْلِي (۲۸) (طه: ۲۵ تا ۲۸)

❖ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱) قُمْ إِلَيْهِ قَلِيلًا (۲) نَصِّفْهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ

تَرْتِيلًا (۴) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵) إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَ أَقْوَمُ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ

فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷) (المزمل ۱ تا ۷)

## ۵) کامیابی پیامبران و ائمه (ع) در انجام رسالت و اتمام حجت بر مردم:

رسالت روحانیت در امتداد رسالت انبیاء و اولیای الهی است.

## ۶) اهمیت شناخت جایگاه اهل بیت (ع) در بارگاه الهی

اهل بیت (ع) از نگاه پیامبر اکرم (ص): عدل قرآن، خلفای الهی در زمین، برترین افراد خلق، امان اهل زمین، معدن رسالت، ابواب الله و عرفاء الله هستند.

شناخت اهل بیت (ع) همگام با شناخت نبوت و الوهیت:

❖ «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (کافی، ج ۱/ ص ۳۳۷)

○ اهمیت زیارت جامعه کبیره و نقش آن در معرفی اهل بیت (ع) و جایگاه آنان:

➤ اهل بیت (ع) جلوه و چهره الهی:

- نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائع لنا. (نهج البلاغه، نامه ۲۸)
- نامحدودیت الهی در قالب های محدود نشان داده می شود.
- اهل بیت (ع) تجلی گاه تمام اسماء و اوصاف الهی و جایگاه معرفت خدا هستند

➤ شناخت اهل بیت (ع) کوتاه ترین، مطمئن ترین راه برای وصول حق و شناخت الهی:

- من اراد الله بدء بكم. (فرازی از زیارت جامعه کبیره)
- لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (بحار، ج ۱/۷۸ ص ۲۸۶)
- اجر نبوت: قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (الشوری: ۲۳)
- سبیل رب: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (الفرقان: ۵۷)

➤ دوستی اهل بیت (ع) عامل ثبات و متزلزل نشدن عقاید در طوفان فتنه ها

➤ اهل بیت مورد توجه و علاقه پیروان دیگر فرقه ها و اندیشمندان سایر مکاتب

۷) تفاوت شیوه ها و موضعگیری های اهل بیت (ع) به دلیل تفاوت شرایط سیاسی و اجتماعی:

اهل بیت (ع) مانند یک شخص ۲۷۰ ساله که به تناسب شرایط زمان اقدام می نمود.

## ۸) حجیت سیره اهل بیت (ع)

## ➤ دلایل عقلی و نقلی

- لزوم تبعیت از سیره آنها
- ضرورت تبعیت از سیره تبلیغی آنها برای مبلغان

## ۹) پیچیدگی تعلیم و تربیت و آموزش مسائل دینی با توجه به پیچیدگی های زندگی عصر جدید:

- (نیاز بیشتر به تزکیه و پرورش در بحران معنویت عصر حاضر)

## ۱۰) نبرد فرهنگی و اندیشه، نبرد واقعی در جهان معاصر:

- نقش مهم و تأثیر گزار تبلیغ و تبلیغات
- اهتمام و توجه ویژه غربیان از ابزارهای تبلیغات در تبلیغ فرهنگ غربی
- ضرورت احساس مسئولیت بیشتر مبلغان در عرصه مبارزه و تقابل فرهنگی

## ۱۱) ویژگی های تبلیغ و رساندن پیام الهی:

- أ. ارسال پیام به شیوه مستدل و منطقی
- ب. استفاده از ابزارهای مشروع و پرهیز از حيله های شیطانی و نامشروع
- ج. انگیزه معنوی و عشق به هدایت انسانها
- د. غافل نبودن از تأثیر لطف و عنایت خداوندی
- ه. ارسال پیام حضرت حق بدون کمی و زیادی
- و. نداشتن دغدغه مالی
- ز. مخاطب شناسی و تفکیک مخاطب (سنی / جنسی / فکری و فرهنگی)
- ح. به روز بودن و ارائه مطالب جدید

## ۱۲) سیره: روش و شیوه معصومان (ع) در رساندن پیام الهی

- مقصود از معصومان «در این اثر و درس» اهل بیت (ع) است
- مراجعه به دو کتاب:

- دین گریزی چرا؟ دین گریزی چه سان؟ / دکتر ابو الفضل ساجدی (انتشارات موسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) )



○ تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری (ره) / عبد الرحیم موگهی (بوستان کتاب قم

(۱۳۸۱)

## فضائل معصومان (ع) و نقش آنها در تبلیغ

سیره تبلیغی:

➤ عوامل غیر مستقیم: (فضائل معصومان)

➤ عوامل مستقیم: (سیره تبلیغی)

معصومان (ع):

○ برگزیدگان خدای سبحان



نمونه ها:

## i. نهضت نبوی:

طرح مسائل اعتقادی، مبانی توحید و یکتا پرستی به صورت مستدل و منطقی.  
ایجاد تزلزل در تمام اصول و تکیه گاه های اعتقادی مشرکان.

## ii. منطق پیامبران:

منطق پیامبران منطق ابراهیمی است در غیر عقلایی خواندن بت پرستی و شرک:

❖ الَّذِي خَلَقَنِي فَهوَ يَهْدِينِ (۷۸) وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۷۹) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهوَ يَشْفِينِ (۸۰) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱) (الشعرا: ۷۸ تا ۸۱)

## iii. هجمه به باورهای مشرکان:

❖ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ. بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنۡىۡ يَكُوۡنُ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَمْ يَكُنۡ لَهٗ صٰحِبَةً وَّخَلَقَ كُلُّ شَىۡءٍ وَّهوَ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمٌ. ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَلِقُ كُلَّ شَىۡءٍ فَاَعْبُدُوْهُ وَهوَ عَلٰى كُلِّ شَىۡءٍ وَّكِيلٌ (الانعام: ۱۰۰ تا ۱۰۲)

مقاومت مشرکان و اسرار بر عقاید سخیف خود:

❖ وَعَلِّبُوا۟ اَنْۢ جَاءَهُم مِّنۡذِرٌ مِّنۡهُمْ وَّ قَالَ الْكٰفِرُوۡنَ هٰذَا سٰحِرٌ كَذٰبٌ (۴) اُجَعَلَ الْاِلٰهَةُ اِلٰهًا وَّاحِدًاۙ اِنَّ هٰذَا لَشَىۡءٌ عَجِيۡبٌ (۵) وَاَنْطَلَقَ الْمَلَاۤءُ مِنْهُمۡ اَنْۢ اَمْشُوۡا وَاَصْلِبُوۡا عَلٰىۤ اِلۡهٰتِكُمْ اِنَّ هٰذَا لَشَىۡءٌ يَّرٰۤا۟دُ (۶) مَا سَلٰۤا۟نَاۤ بِهٰذَاۙ فِى الْمِلَّةِ الْاٰخِرَةِۙ اِنْ هٰذَاۙ اِلَّاۤ اِخْتِلَاقٌ (۷) (ص: ۴ تا ۷)

اکثر سوره های مکی در تخطئه شرک و اثبات توحید و بیان جنبه های توحید

تلاش پیامبر ﷺ در ترویج عقاید صحیح و مبارزه با عقاید باطل به شیوه های مختلف

- از گفتگوی دوستانه
- جنگ مسلحانه
- بدون مداخله و کوتاه آمدن از اصول

هیچ یک از اقدامات مشرکانه از تطمیع، تهدید، شکنجه و آزار تأثیری در پیامبر از هدفش نداشت.

هدایت الهی بر پایداری پیامبر و انعطاف ناپذیری:

- ❖ فَلَا تُطِيعُ الْمُكذِبِينَ (۸) وَدُوۡا۟ لُوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُوۡنَ (۹) وَّ لَا تُطِيعُ كُلَّ حَلٰۤافٍ مَّهِيۡنٍ (۱۰) (القلم: ۸ تا ۱۰)
- ❖ فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيۡنَ وَجِهَدۡهُمۡ بِهٖ جِهَادًا كَبِيۡرًا (الفرقان: ۵۲)
- ❖ يَاۤ اَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَّ لَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيۡنَ وَ الْمُنٰفِقِيۡنَ (الاحزاب: ۱)
- ❖ فَاَصْلِبۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَّ لَا تُطِيعُ مِنْهُمۡ اِنۡمًا اَوْ كَفُوۡرًا (الانسان: ۲۴)
- ❖ مامور به اعراض بود: فَاَصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَاَعۡرِضۡ عَنِ الْمُشۡرِكِيۡنَ (الحجر: ۹۴)

معصومان هرگز حقیقت گوئی را فدای سود جوئی و منافع مادی نکردند و با باطل به ستیز پرداختند:

سیره امام علی (ع): حتی یک لحظه راضی به بقای معاویه در مصدر حکومت شام نیست.

سیره امام حسین (ع): راضی به بقای و پذیرش حکومت یزید نیست (وعلی الاسلام السلام از قد بلیت

الامه براع مثل یزید)

### ب. پایداری و تحمل مشکلات:

- از آثار ایمان راسخ معصومان، تحمل نا ملایمات و سختی ها در انجام رسالت بود.
  - استقبال از هر گرفتاری و بلا در تبلیغ و حراست از دین.
  - تحمل توهین، تهمت، شکنجه، محاصره اقتصادی، جنگ های متعدد مشرکان توسط پیامبر.
- حضرت علی (ع) در پایداری پیامبر فرمود:

❖ نَحْمَدُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَ ذَادَ عَنْهُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَ نَسَّأَلَهُ لِمَنْتَهُ تَمَاماً وَ بِحَبْلِهِ  
اعْتَصَمَ وَ نَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ خَاضَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ كُلَّ غَمْرَةٍ وَ تَجَرَّعَ فِيهِ كُلَّ  
عُصَّةٍ وَ قَدْ تَلَوْنَ لَهُ الْأُدْتُونَ وَ تَأَلَّبَ عَلَيْهِ الْأَفْصُونَ وَ خَلَعَتْ إِلَيْهِ الْعَرَبُ أَعْنَتَهَا وَ ضَرَبَتْ إِلَى  
مُحَارَبَتِهِ بَطُونَ رَوَّاحِلِهَا حَتَّى أَنْزَلَتْ بِسَاحَتِهِ عَدَاوَتَهَا مِنْ أْبَعْدِ الدَّارِ وَ أَسْحَقِ الْمَزَارِ (نهج  
البلاغه، خطبه: ۱۹۴)

تحمل ائمه علیهم السلام در برابر ناملایمات در امر تبلیغ دین:

- ۲۵ سال سکوت و تحمل حضرت علی (ع)
- تحمل مشکلات دوران ۵ ساله حکومت شان
- تحمل ناملایمات امام حسن (ع) نسبت به معاویه یاران بی وفا مشکلات داخل منزل
- قیام عاشورا و تحمل اعظم المصائب توسط امام حسین (ع) و اهل بیت آن امام

### ج. نهراسیدن از غیر خدا:

از آثار ایمان راسخ معصومان نهراسیدن از غیر خدا بود؛

❖ الَّذِينَ يَبْلَغُونَ رِسْلَتِ اللَّهِ وَ يَبْلَغُونَ لَهُ وَ لَا يَلْجَأُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (الاحزاب: ۳۹)

سیره معصومان احساس مسئولیت نسبت به انحرافات مردم و مبارزه شجاعانه بود؛

- ❖ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَا (فرازی از زیارت جامعه)
- ❖ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُعَدِّرٍ (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۶) (در وصف پیامبر)
- ❖ روایت از حضرت علی (ع): که در جنگ ها و موارد سخت ما به پیامبر پناه می بردیم
- ❖ دلوری های مولا علی (ع) و دیگر ائمه علیهم السلام
- ❖ دلوری های عالمان پارسا و رهیویان اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ (میرزای شیرازی، نهضت مشروطه، شهید مدرس، حضرت امام خمینی)
- خطر دشمنان مهمتر از خطر گناه و انحراف در خودمان نیست.

- امروز نباید از استکبار و آمریکا و اسرائیل ...
- خطر گناه برای جوانان بیشتر از استعمار است.
- اگر اسنان خدائی باشد، برای خدا کار کند نه غیر خدا، آتش هم برای او گلستان می شود آن گونه که برای ابراهیم شد.

#### د. اعتماد به نصرت خدا و توکل بر او:

ابلاغ رسالت و هدایت مردم، وظیفه الهی معصومان علیهم السلام بود. از این رو اعراض و اقبال مردم تاثیر چندانی نداشت. اتکاء و اعتماد آنان بر نصرت الهی بود؛

❖ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (التوبه: ۱۲۹)

❖ پایداری حضرت نوح: وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَاعْلَى اللَّهُ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمًّا ثُمَّ افْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونَ (يونس: ۷۱)

- نمونه سیره پیامبر ﷺ: با توکل بر خدا پیامبر علیرغم مشکلات بر قریش و اقدامات آنان فائق آمد. نه تشویق و تطمیع قریش را پذیرفت (اگر خورشید را در دست راست من قرار دهی و...) و نه تهدید و شکنجه قریش او رو متوقف ساخت (شعب ایطالب و جنگ ها)
- نمونه دیگر: وقتی پیامبر حضرت علی (ع) را بسوی یمن می فرستد بعد از سفارشات لازم می گوید: اگر خداوند یک نفر را به دست تو مسلمان کند برایت از همه آسمانها و زمین برتر است. هدف هدایت انسانها و برای خدا است.
- ۲۵ سال سکوت حضرت علی (ع) برای خدا و حفظ اسلام بود و ۵ سال حکومت و جدیت با توکل بر خدا هم برای هدایت انسانها بود.

#### ه. مباحله (از آثار ایمان معصومان)

جریان مباحله پیامبر و عالمان مسیحی نجران:

❖ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ (آل عمران: ۶۱)

#### و. خسته نشدن از تبلیغ

- در هر شرائطی به اقتضای زمان و مکان به تبلیغ و صیانت دین از تحریف اقدام می کردند،
- استقامت پیامبر در برابر مشرکان تا آخرین لحظه،
- تلاش و اقدامات بنی امیه و بنی عباس باتمام توان برای بیرون کردن اهل بیت از صحنه.

- بقای اسلام ناب محمدی نتیجه سخت کوشی رهبران معصوم است در هدایت تبیین احکام، ایجاد شبکه وکالت و ارتباط شیعیان،
- دستور الهی به پیامبر اسلام که مانند نوح سخت کوش باشد و مانند یونس نباشد که قومش را رها کرد:
- ❖ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (القلم: ۴۸)
- ❖ وَ أَوْحِيَ إِلَيَّ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (هود: ۳۶)

## ز. اخلاص

اخلاص از مهمترین عوامل موفقیت معصومان در تبلیغ دین بود. (تیر از پای مولا علی در نماز درآوردند)

❖ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَعَايَايَ وَمِمَّا تَلِيهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الانعام: ۱۶۲)

هیچگاه اهل بیت طلب مزد و اجر نمی کردند:

- از جهت روانی خیلی در جذب افراد موثر بود.
- اهل بیت علیهم السلام هدایت مردم را برای رشد و تعالی آنها دوست داشتند

❖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (الشوری: ۲۳)

پیامبران فقط از خدا اجر می خواستند:

- ❖ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (الشعرا: ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰)
- ❖ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ (سبأ: ۴۷)
- ❖ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (الفرقان: ۵۷)

## ۲. پارسایی و عمل به احکام الله:

یکی از عوامل موفقیت معصومان علیهم السلام پارسائی و پای بندی به دستورات الهی و اظهارات خودشان بود:

- پیشگامی معصومان در جهاد و مبارزه با ستمگران
  - پیشگامی در پرداخت زکات و صدقات:
  - ❖ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا (الانسان: ۸)
  - اهتمام و سفارش به نماز در عمل (هزار رکعت امام علی در شبانه روز، و امام سجاد)
  - پیاده به حج رفتن برای عمل به انجام حج
  - آنان قائد و پیش قدم در کارها بودند نه سائق و درپی رونده.
- این ویژگی ها نزدیکی و ایمان افراد سلیم النفس را موجب می شد که هستی خود را در خدمت اسلام قرار دهند.

**الف) عمل به دستورات دین:**

امام علی(ع):

- ❖ وَ اللَّهُ مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسِيقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَنهَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵)
- ❖ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه: حکمت: ۷۳)

شهید مطهری (ره):

- ❖ یک فرق میان مکتب انبیا و مکتب فلاسفه و حکما این است که:
- ❖ مکتب فلاسفه و حکما: اهل نظریه و تعلیم و تدریس اند که سروکارشان با زبان و افکار و ادراکات بشر است.
- ❖ ولی مکتب انبیاء: خودشان قبل از هر کس اهل عمل اند لذا تا اعماق روح بشر نفوذ می کند. اولیای الهی مردم را با عمل خود تحت تاثیر قرار دادند تا تنها با سخن.
- ❖ “دو صد گفته چون نیم کردار نیست”

آیت الله جوادی آملی:

- ❖ گوینده ای که خود اهل عمل است با نصیحت خود شنونده آماده را سخیر می کند.
- ❖ “دو صد گفته چون نیم کردار نیست”

امام علی (ع) :

- ❖ میدان حق برای سخن وسیع ترین میدان ها و برای عمل تنگ ترین میدان ها است (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶)

**تادیب انبیا و ائمه علیهم السلام برای هدایت بشریت:**

امام صادق علیه السلام:

- ❖ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهٖ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴) ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الْأُمَّةِ لِيَسُوْسَ عِبَادَهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (الحشر: ۷). (الكافي: ج ۱، ص ۲۶۶)

**ب: آسیب ها و هشدارها:****i. نجات بخشی علم و دانش در صورت همراهی عمل:**

- ❖ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَلْمِزُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ (الجمعه: ۵)
- ❖ ... فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَلَمَّحَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتَلَوَّكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا... (الاعراف: ۱۷۶)

## ii. علم و آگاهی شرط لازم برای هدایت و سعادت است اما کافی نیست:

چه بسیار افرادی که حق بر آنان عرضه شد ولی به خاطر هواپرستی و قدرت طلبی حضر به پذیرش حق نشدند.

❖ بنی اسرائیل: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (النمل: ۱۴)

❖ اهل کتاب و کتمان حقیقت: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (الانعام: ۲۰)

❖ یا اهل الکتاب لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران: ۷۱)

❖ تحریف حق: أَمْ فَتَنْطَمِعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَلْغَوْنَ بِهِ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (البقره: ۷۵)

## iii. لغزش مبلغ و عمل نکردن به داشته ها موجب گمراهی دیگران می شود:

❖ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يٰۤاتِ مِنْكَ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (الاحزاب: ۳۰)

## iv. شرط به دل نشستن موعظه، عمل مربی به علم خویش است:

❖ إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا (الكافی: ج ۱، ص ۴۴)

## v. ناپسند بودن گفتار بدون عمل و توبیخ آن:

❖ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . كَبَلًا مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (الصف: ۲ و ۳)

❖ أَمْ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَلَاءِ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (البقره: ۴۴)

## vi. عمل به اسلام ملاک نزدیکی مبلغان به معصومان و وراثت انسان است:

❖ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هٰذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا (آل عمران: ۶۸)

## ۳. آگاهی و بصیرت:

### الف) آگاهی و بصیرت نسبت به دین و نیازهای روحی انسان:

• آگاهی نسبت به جامعه

○ آداب و رسوم

○ لسانیت ها

• آگاهی نسبت به اوضاع فرهنگی

• آگاهی نسبت به اوضاع اقتصادی

• آگاهی نسبت به اوضاع سیاسی



❖ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (اليوسف: ۱۰۸)

روش و سیره پیامبر (ص) آن است که با بصیرت و معرفت به توحید فرا می خواند.

### آگاهی نسبت به دین:

قرآن ناطق باید مانند قرآن صامت باشد:

❖ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (الانعام: ۵۹)

ائمه علیهم السلام به عنوان مفسر قرآن باید به ابعاد مختلف دین آگاهی داشته باشند:

❖ سلونی سلونی قبل ان تفقدونی.

حضرت علی (ع) درباره مقام علمی و معنوی معصومان می فرماید:

❖ هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْتَلُ حِكْمِهِ وَ كَهْفُ كُتُبِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ بِهِمْ أَقَامَ أَنْحِنَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ ارْتِعَادَ قَرَائِنِهِ (وَ مِنْهَا يَعْنِي قَوْمًا آخَرِينَ) زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْعُرُورَ وَ حَصَدُوا التُّبُورَ لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ ((صلى الله عليه وآله)) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ الْآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ (نهج البلاغه: خطبه ۲)

❖ نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ مَحَطُّ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ وَ يَنَابِيعُ الْحُكْمِ (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۹)

### چند نمونه های تاریخی:

۱) مناظره رسول خدا با پیشوایان یهود، نصاری، دهریه، ثنویه و مشرکان عرب (به روایت امام صادق از پدراناش از امیر المومنین)

ابتدا به بیان اعتقادات و باورهای خود می پردازند آن گاه رسول الله به بیان ضعف و سستی اعتقادات آنها پرداخته سر انجام در برابر بیان منطقی و برهانی پیامبر به زانو در می آیند.

یهود: عزیز پسر خدا ست. جواب: موسی سزاوارتر است

مسیحیان: مسیح پسر خدا است و خدا با او متحد شده جواب: اتحاد قدیم و حادث یا هر یک محال است.

دهریه: جهان را آغاز و پایانی نیست و قدیم و همیشگی است.

ثنویان: تدبیر جهان از دو مبداء نور و تاریکی سرچشمه می گیرد

۲) پاسخ های پیامبر اکرم (ص) و ایمان آوردن اعرابی:

اعرابی به پیامبر اکرم (ص) گفت: اگر تو پیامبر خدا هستی پس بگو قیامت کی برپا می شود؟ باران کی می آید؟ چه چیز

در شکم این شتر من است؟ من فردا چه چیز اکتساب می کنم؟ و کی می میرم؟

پیامبر منتظر فرمان الهی بود:

❖ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ  
مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (لقمان: ۳۴)

❖ اعرابی گفت: فانا اشهد ان لا اله الا الله و انك محمد رسول الله. (الثاقب في المناقب: ص  
۱۲۷)

۳) پاسخ های امیر مومنان و ایمان آوردن سه نفر از علمای یهود:

سوال از خلیفه دوم، ناتوانی او و پاسخ های امیر المومنین:

✓ قفل های آسمان چیست؟

• شرک به خدا: زیرا وقتی بنده مشرک شود عملش بالا نمی رود.

✓ کلید آسمان ها چیست؟

• شهادت: ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله

✓ قبری که صاحبش را سیر می دهد؟

• ماهی که یونس بن متی را بلعید سپس هفت دریا سیر کرد

✓ کسی که قومش را انذار کرد نه از جن بود نه از انس؟

• مورچه سلیمان بن داود که گفت:

❖ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا يَحِطُّ بِكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (النمل: ۱۸)

✓ پنج چیزی که روی زمین راه رفتند اما از شکم متولد نشدند؟

• آدم، حوا، ناقه صالح، قوچ ابراهیم و عصای موسی

✓ دراج در آواز چه می گوید؟

• الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى

✓ خروس در آواز چه می گوید؟

• اذكروا الله يا غافلين

✓ اسب در شهبه چه می گوید؟

• وقتی مومنین به جنگ کفار می روند می گوید بار خدایا مومنین را یاری کن

✓ الاغ در عر عرش چه می گوید؟

• خدا لعنت کند باج گیران را و در چشم شیطان عرعر می کند

✓ قورباغه در آوایش چه می گوید؟

- پاک و منزّه است پروردگار من که در عمق دریاها تسبیح می شود

✓ کاکلی در آوازش چه می گوید؟

- اللهم العن مبغضی محمد و آل محمد

دو نفر از سه یهودی فوراً ایمان آوردند و نفر سوم پس از سوال آخر درباره جزئیات اصحاب کهف ایمان آورد.

### ب) آگاهی نسبت به شرائط زمان و مکان:

- بهره گیری ائمه از مناسب ترین شیوه برای حراست و گسترش دین
- بقای اسلام ناب محمدی، علیرغم خیانت ها و دسیسه ها، به درستی شیوه اهل بیت بر می گردد
- فعالیت فکری و فرهنگی پیامبر در مکه و تحمل شکنجه ها و سختی های آن دوران
- مقاومت های بعدی در برابر مشرکان و جنگ ها و تربیت نیروهای آگاه
- موضع گیری ائمه علیهم السلام در برابر حکام ستمگر و فعالیت های فرهنگی مناسب
- صلح امام حسن
- نهضت امام حسین
- تبلیغ و تبیین فرهنگی امام باقر و امام صادق

### ج) آگاهی نسبت به مخاطب:

معصومان آگاهی کامل از نیازهای انسان و تفاوت های جسمی، روحی، عاطفی، انگیزشی، رفتاری و... انسانها داشتند.

اتخاذ شیوه های زبانی و رفتاری متناسب با ویژگی های عملی مخاطبان

❖ وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلْفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِوَكُم فِي مَا آتَاكُمْ (الانعام: ۱۶۵)

❖ وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (نوح: ۱۴)

❖ لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (البقره: ۲۸۶)

❖ وَ أَنْ لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم: ۳۹)

### نمونه ها:

۱. معجزه حضرت موسی: اژدها شدن عصا و ید بیضا، با توجه به فزونی سحر در زمان آن حضرت.
۲. معجزه حضرت عیسی: شفای مریضان و احیای مردگان، با توجه به بیماری های صعب العلاج آن دوره
۳. معجزه پیامبر خاتم: کتاب قرآن صحیفه جامع هدایت، با توجه به مطرح بودن شعر و فصاحت و بلاغت در آن زمان

۴. تفاوت سطح کلام معصومان به دلیل تفاوت مخاطبان و ظرفیت آنها.

❖ امام صادق: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ (الكافی: ج ۸، ص ۱۷۷)

۵. امام صادق و دو پاسخ متفاوت به یک سوال:

- مرد ساده و کم سوادی از قدرت خداوند در قرار دادن جهان در تخم مرغی کوچک آن فرمودند: خداوند بزرگتر از آن را در کوچکتر از تخم مرغ قرار داده، آسمان و زمین در مردمک چشم تو. مرد پذیرفت و رفت.
- پاسخ همین سوال به مرد دانشمند و فرهیخته: اراده الهی به امر محال تعلق نمی گیرد (الكافی: ج ۳، ص ۳۸)

## آسیب ها و هشدارها:

### الف) شناخت دین شرط اول تبلیغ

نخستین شرط تبلیغ دین و نفوذ در دلها، شناخت اسلام، تفقه و فهم عمیق دین است.

❖ فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبة: ۱۲۲)

علامه طباطبائی در تفسیر آیه می نویسد:

❖ مراد از تفقه، شناخت همه معارف دین است نه خصوص احکام عملیه چون لینذرواقومهم بدون شناخت همه تعالیم میسر نخواهد شد.

پیامبر اکرم(ص):

❖ ان دین الله تعالى لن ينصره الا من حاطه من جميع جوانبه (کنز العمال: ج ۱۰، ص ۱۷۱)

❖ لا يقوم بدین الله الا من حاطه من جميع جوانبه. (همان: ج ۳، ص ۸۴)

امیر المومنین (ع):

❖ إنما المستحفظون لدين الله هم الذين أقاموا الدين و نصره و حاطوه من جميع جوانبه و حفظوه على عباد الله و رعوه (غرر الحکم: ص ۸۵، حدیث ۱۳۹۹)

مذمت سخن غیر آگاهانه از دین:

❖ هأنتم هؤلاء حاجتكم فيما لكم به علم فلم تحاجون فيما ليس لكم به علم (آل عمران: ۶۶)

پیامبر خطاب به ابن مسعود:

❖ یابن مسعود! اذا علمت عملا فاعمل بعلم و عقل وایاک ان تعمل عمل بغير تدبر و علم فانه جل جلاله يقول:

❖ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غُرْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا (النحل: ۹۲) (مکارم اخلاق: ص ۴۵۷)

❖ مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ (الكافی: ج ۱، ص ۴۴)

**ب) شناخت مخاطب شرط دوم تبلیغ**

روش واحد برای انواع مخاطبان جوابگو نخواهد بود باید مخاطب شناسی داشت؛

**۱) ویژگی های زیستی:**

- گروه سنی: (کودک، نوجوان، جوان، میان سال، پیر)
- جنسی: (زن یا مرد، دختر یا پسر)

**۲) توانش های ذهنی:**

- سطح هوشی: (ضعیف، متوسط، عالی)
- گروه اعتقادی: (مشوس، جاهل، معاند، بی تعهد)
- سطح اطلاعات مذهبی: (ضعیف، متوسط، عالی)
- پیش دانسته های فردی
- سطح سواد عمومی: (بی سواد، با سواد، ضعیف)
- ایده ها، تصورات و تشنگی های فکری، عادات، آداب و رسوم

**۳) ویژگی های روانی و شخصیتی:**

- افراد کم رو و فاقد اعتماد به نفس
- ویژگی عاطفی افرادی که تک فرزند خانواده اند متفاوت است.

**۴) شناخت شرائط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی محیط اطراف مخاطب:****۴. صراحت در بیان:**

بیان روشن و بدون ابهام برای اتمام حجت:

❖ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ (الانفال: ۴۲)

صفت بیان مبین در قرآن در توصیف انبیا به همین معنی است.

نمونه حضرت ابراهیم در برابر مشرکان:

❖ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَ لَآكِنُّ

أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّكُمُ وَ أَمَرْتُ أَن أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (يونس: ۱۰۴)

نمونه حضرت نوح در برابر مخالفان:

❖ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (هود: ۵۴)

نمونه پیامبر اسلام از روز نخست اعتقاد به توحید و نفی شرک را بیان نمود پس به تدریج به برنامه های اجتماعی و اخلاقی پرداخت:

❖ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ (اليوسف: ۱۰۸)

## ۵. فصاحت و بلاغت:

فصاحت و بلاغت یعنی رسا، شیوا و روان بودن سخن. مطابقت با مقتضای حال سخن گفتن و عمل کردن فصاحت و بلاغت از عوامل موفقیت معصومان در جذب گسترده مردم است.

حضرت علی (ع):

❖ وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ، وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ، وَ عَلَيْنَا تَهْدَلَتْ عُصُونُ (غرر الحکم: ج ۲، ص ۳۳۶)

عربی که توانائی بالائی در فصاحت و بلاغت داشت، توان ایستادگی در برابر پیامبر و قرآن نداشتند و لذا سران شرک از هم نشینی افراد مخصوصا با حضرت جلوگیری می کردند.

❖ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (النسا: ۶۳)

❖ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (النحل: ۸۲)

❖ حضرت موسی: وَ أَحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي. يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه: ۲۷ و ۲۸)

➤ عبد الحمید کاتب: ادیب برجسته سده دوم و آغاز گر فن کتابت در زبان عربی گفته است که همه هنر خویش را وامدار علی می داند و می گوید: هفتاد خطبه از خطبه های حضرت را از بر کردم و همانها بود که چون چشمه ای جوشان در ذهن من پیایی جوشید و جوشید.

➤ ابن نباته از ادیبان سده چهارم: همه مایه های ادبی خویش را وامدار حضرت علی و خطبه ها و مواعظ او می داند

➤ سبط ابن جوزی می نویسد: سخنان علی همه سرشار از فروغ و شکوه است و میزان معرفت و حکمت است. خداوند در سخنان او حلاوت ملاحظت، شیرینی و شوری، تازگی و طراوت و شیوایی و فصاحت همه در آمیخته است.

➤ سید رضی در مقدمه نهج البلاغه در علت نامگذاری آن می گوید: زیرا درهای بلاغت و راه های سخنوری را برای خواننده می گشاید

## ۶. عبادت و عبودیت:

از عوامل موفقیت معصومان، ارتباط وثیق با خداوند متعال بود.

❖ كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا (بحار: ج ۳۸، ص ۳۸)

❖ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ (زیارت جامعه)

بالا ترین لذت را ارتباط با حق و راز و نیاز با او و بدترین عذاب را فراق و قطع ارتباط با او توصیف کرده اند

❖ فهبني يا إلهي و سیدی و مولای و ربی صبرت علی عذابك فكيف أصبر علی فراقك.

نمونه ها:

i. پیامبر اکرم قبل از بعثت بسیاری از اوقات را به عبادت می پرداخت. ماه رمضان، کلی مکه را رها می کرد با

مختصر توشه به کوه حرا می رفت. بعد از بعثت نیز پاره ای از شب، نیمی، ثلث و یا دو ثلث شب را به عبادت

می پرداخت.

❖ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱) قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا (۲) نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ

تَرْتِيلًا (۴) (المزمل: ۱ تا ۴)

هر شب ۳۰ سوره قرآن می خواند که هفت سوره از سوره های بزرگ قرآن

دوبرابر نماز واجب، نماز مستحب می خواند.

ii. (۱) عروه بن زهیر می گوید در مسجد پیامبر نشسته بودیم از اعمال اهل بدر و بیعت رضوان یاد کردیم. ابودردا

گفت:

❖ الا اخبركم باقل القوم مالا و اكثرهم ورعا و اشدهم اجتهادا في الجهاد؟

❖ قالوا: من؟ قال: علي بن ابي طالب

(۲) از ام سعید، کنیز امام علی پرسیدند، علی در ماه رمضان بیشتر عبادت می کند یا در سایر ماه ها؟ پاسخ

داد: علی هر شب با خدای خود به راز و نیاز مشغول است و برای او ماه رمضان و دیگر اوقات یکسان است.

امام حسن درباره عبادت مادرش حضرت فاطمه فرمودند:

❖ رأيت امي قائمة في محرابها ليلة الجمعة، فلم تزل راکعة ساجدة حتى انفجر عمود الصبح.

(کشف الغم: ج ۲، ص ۹۴)

عبد الله بن زبیر وقتی از شهادت امام حسین باخبر شد گفت:

❖ اما والله قتلوه! طويلا بالليل قيامه و كثيرا في النهار صيامه (تاریخ طبری: ج ۵، ص ۴۷۵)

امام صادق درباره عبادت امام سجاد فرمود:

❖ كان علي بن الحسين شديد (مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۱۵۵)

درباره دائم الذکر بودن امام محمد باقر فرمودند:

❖ كَانَ أَبِي كَثِيرَ الذِّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ أَكَلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ

اللَّهِ وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَازِقًا بِحَنَكِهِ

يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ كَانَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ

كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ (الكافي: ج ۲، ص ۴۹۹)

ابن ابی الحدید در وصف حضرت علی می نویسد:

❖ فكان أعبد الناس و أكثرهم صلاة و صوما- و منه تعلم الناس صلاة الليل- و ملازمة الأوراد و قيام النافلة- و ما ظنك برجل يبلغ من محافظته على ورده- أن يبسط له نطح بين الصفين ليلة الهرير (مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱، ص ۲۷)

## ۷. نظم و انضباط:

معصومان سمبل نظم و انضباط بودند.

نظم ستودنی رسول الله در مطرح کردن اسلام و برنامه های او برای تاسیس حکومت

هر یک از صحابه به روشنی می دانستند که پیامبر در فلان زمان مشغول چه کاری هستند.

روایت امام حسین از حضرت علی درباره نظم رسول الله:

❖ و كان إذا أوى إلى منزله جزأ دخوله ثلاثة أجزاء جزءا لله عز و جل و جزءا لأهله و جزءا لنفسه ثم جزأ جزءه بينه و بين الناس فيرد ذلك على العامة و الخاص (مكارم الاخلاق: ص ۱۳)

وصیت نامه امیر المومنین:

❖ أوصيكمأ و جميع و لذي و أهلي و من بلغه كتابي بتقوى الله و نظم أمركم (نهج البلاغه: نامه ۴۷)

نظم در همه امور شان انسان مومن است که بدون آن سیر به سوی کمال میسر نخواهد شد،

امام کاظم:

❖ اجتهدوا في أن يكون زمانكم أربع ساعات ساعة لمناجاة الله و ساعة لأمر المعاش و ساعة لمعاشرة الإخوان و الثقات الذين يعرفونكم عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن و ساعة تخلون فيها لذاتكم في غير محرم و بهذه الساعة تقدرون على الثلاثة ساعات (بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۳۲۱)

## ۸. آراستگی ظاهر:

آراستگی و نظافت به دور از اشرافیت و تجمل گرایی

در چهار محور:

➤ پاکیزگی بدن، لباس، محل کار و زندگی

➤ به کار بردن عطر

➤ رعایت بهداشت دهان و دندان

➤ پیراستن و شانه کردن موهای سر و صورت



نمونه ها از کتاب “شرف النبی”

- پیامبر موقع خروج از خانه موی سر و محاسن را شانه می زد و جای آئینه در آب می نگریست این پای بندی پیغمبر به آراستگی آن چنان جدی بود که هنگام مسافرت نیز از آن غفلت نمی کرد.
- رسول اکرم بر مسواک زدن و خلال کردن مداومت داشت.
- قاضی عیاض: هرگاه پیامبر از مسیری می گذشت، چنان بوی خوش عطرش در فضا می پیچید که اگر کسی بعد از مدتی از آن جا می گذشت، می فهمید که پیغمبر از آن جا گذر کرده است.
- پیامبر اعظم در دیدار با گروه هایی که برای شنیدن پیام اسلام به نزدشان می آمدند، بهترین لباس خود را می پوشید و به اصحاب نیز سفارش می فرمود، چنین باشند.
- از جمله نکته هایی که به سفیران به سرزمین های دیگر و دربارهای شاهان و فرمانروایان یاد آور می شده پاکیزگی و آراستگی ظاهر بود.

## ۹. هدایت پذیر دانستن انسان ها:

از عوامل موفقیت، ایمان به هدایت و تحول پذیری انسانها بوده است.

علت اصلی گمراهی و فساد انسانها ناشی از جهل، گناه و عصبیت های نادرست است.

نمونه ها:

➤ حضرت موسی حتی به سراغ فرعون رفت:

❖ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ. فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه: ۴۳ و ۴۴)

حتی ساحران هم به نبوت حضرت موسی ایمان آوردند، ایمانی که به خاطر آن دست و پای شان قطع شد.

➤ دستور الهی به مسلمانان در پناه دادن به مشرکان وقتی خواستند کلام خدا را بشنوند زیرا جاهلند؛

❖ وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ (التوبه: ۶)

➤ ابزارهای فهم در اختیار انسانها است،

❖ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَّا تَعْلَمُونَ شَرًّا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (النحل: ۷۸)

➤ سرشت آدمی با الهام خوبی ها و بدی ها به روح، خیر آفریده شده؛

❖ وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فِجْوَاهَا وَ تَفَوَّهَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ

دَسَّاهَا (۱۰) (الشمس: ۷ تا ۱۰)

➤ فطرت و سرشت انسانها خدائی است و کار مبلغان دین، زدودن غبارهایی است که بر فطرت آنان نشسته است.

حضرت علی می فرماید:

❖ فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيََاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ  
(نهج البلاغه: خطبه ۱)

## ۱۰. دلسوزی و جدیت:

پیامبر فراتر از تکلیف خود برای اسلام آوردن مردم دلسوزی می کرد. این دلسوزی توجه بیشتر مردم را به همراه داشت.

❖ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (الكهف: ۶)  
❖ أَمْ مَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ فِرَاءً حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. (فاطر: ۸)  
❖ وَ مَنْ كَفَرَ فَلَا يَلِئُكَ كُفْرُهُ (لقمان: ۲۳)

فدا کاری ائمه علیهم السلام در هدایت مردم و تبیین اسلام و حراست از آن.

فرازی از زیارت اربعین:

❖ وَ بَدَلَ مُهْجَتِهِ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ.

## ۱۱. شجاعت و شهامت:

شجاعت و قوت قلب در روبرویی با مشکلات.

❖ الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (الاحزاب: ۳۹)

معصومان در میان معارف الهی هرگز حقیقت را فدای مصالح مادی نمی کردند و بدون هراس حقایق را می گفتند.

نمونه یای به ظاهر متناقض:

❖ حضرت موسی (ع): قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (الشعرا: ۱۲)  
❖ حضرت محمد (ص) در ازدواج با زینب بنت جحش: وَ تَخَاشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخَاشَهُ  
(الاحزاب: ۳۷)

نه ترس برای خود بلکه ترسی برای دین و گمراه شدن مردم.

نمونه ها:

مبارزات پیامبران پیشین، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، و عیسی علیهم السلام .

مبارزات پیامبر اسلام در برابر مشرکان و کفار قریش در جنگهای مختلف.

امیر المومنین درباره شجاعت پیامبر فرمود:

❖ وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُعَدِّرٍ (نهج البلاغه: خطبه، ۱۱۶)

- ❖ كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ ( صلى الله عليه وآله وسلم ) فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ (نهج البلاغه: قصار، ۲۶۶)
  - ❖ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلى الله عليه وآله ) إِذَا أَحْمَرَ الْبَاسُ وَ أَحْجَمَ النَّاسُ قَدَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَوْقَى بِهِمْ أَصْحَابَهُ حَرَّ السُّيُوفِ وَ الْأَسِنَّةِ (نهج البلاغه: نامه، ۹)
- امام حسین (ع) :

- ❖ چه کسی شایسته تر از من است که دین خدا را یاری دهد (موسوعه کلمات امام حسین، ص ۳۳۶)

## ۱۲. حسن خلق:

به معنای خوش خلقی، خوش خوئی و نیک طبعی، نرم خو باگذشت و ایثار.

- ❖ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (القلم: ۴)
- ❖ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)

یکی از عوامل گسترش سریع اسلام در حجاز اخلاق خوب پیامبر بود.

### نمونه ها:

(۱) حضرت علی درباره اخلاق اجتماعی پیامبر فرمود:

- ❖ کسی که برای نخستین بار او را می دید هیبتش او را می گرفت، هر کسی با او معاشرت می کرد، دوستی اش را به دل می گرفت، آن گاه به اصحاب می نگریست، لحظات نگاه به تساوی میان شان تقسیم می کرد. او چهره ای گشاده رو داشت، تندخو و ملامت گر و فحاش و مزاح نبود. مسیر او میانه روی، سنت او هدایت و رشد و سخنش معیار حق و حکمش عدل بود. (نهج البلاغه: خطبه ۹۴)

(۲) یکی از اصحاب:

- ❖ هیچ کس را ندیده ام که بیش از رسول خدا بر لبانش تبسم باشد. (طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۵۲)

(۳) ابوسفیان پس از اسلام آوردن :

- ❖ مارأج قوما قط اشد حبا اصحابهم من اصحاب محمد له. (طبقات، ج ۲، ص ۵۶)

## ۱۳. تواضع و فروتنی:

دوری از کبر و فخر فروشی:

- ❖ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (الحجر: ۸۸)
- ❖ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (الشعرا: ۲۱۵)

## نمونه ها:

(۱) پیامبر در اوج قدرت، رفتاری بسیار نیک، مهربان مردمی و فروتنانه داشت.

روایت از امام صادق (ع):

❖ مَرَّتْ امْرَأَةٌ بَدْوِيَّةٌ بِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ هُوَ يَأْكُلُ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى الْحَضِيضِ فَقَالَتْ يَا مُحَمَّدُ وَ اللَّهُ إِنَّكَ لَتَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَ تَجْلِسُ جُلُوسَهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَ وَيَحْكُ أَيُّ عَبْدٍ أَعْبَدُ مِنْي. (بحار: ج ۱۶، ص ۲۲۶)

(۲) ابن مسعود:

❖ مردی به حضور رسول خدا رسید و از هیبت وی به لرزه افتاد، پیامبر فرمود: آرام باش من پادشاه نیستم، من پسر زنی از قریش هستم که گوشت خشکیده می خورده. (بحار: ج ۶۱، ص ۲۱۹) هُوَنَّ عَلَيْكَ فَلَسْتُ بِمَلِكٍ إِنَّمَا أَنَا ابْنُ امْرَأَةٍ كَأَنَّكَ تَأْكُلُ الْقَدَّ

(۳) ابودر:

❖ قَالَ رَأَيْتُ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا يُقْبِلَانِ إِلَى النَّبِيِّ صَ إِذَا أَنْكَبَ سَلْمَانُ عَلَى قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَ يُقْبِلُهَا فَزَجَرَهُ النَّبِيُّ صَ عَنْ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا سَلْمَانُ لَا تَصْنَعُ بِي مَا تَصْنَعُ الْأَعَاجِمُ بِمَلُوكِهَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ أَكَلُ مِمَّا يَأْكُلُ الْعَبْدُ وَ أَقْعُدُ كَمَا يَقْعُدُ الْعَبْدُ. (بحار: ج ۲۷، ص ۱۳۹)

## ۱۴. زهد و به رغبتی به دنیا:

ساده زیستی و عدم وابستگی و دل بستگی به دنیا.

دنیا طلبی و اشرافی گری با دل سپردگی به دین و آخرت گرایی منافات دارد.

❖ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزَّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا. (فرازی از دعای ندبه)

نمونه ها:

❖ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلزَّوْجِكِ إِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (الاحزاب: ۲۸)

امیر المومنین در توصیف پیامبر فرمود:

❖ از دنیا برای خوردن به اندکی قناعت فرمود و گوشه چشمی برای تمایل به دنیا نیفکند. پهلوی از همه لاغر تر و شکمش از همه گرسنه تر بود. دنیا بر او عرضه شد اما از پذیرفتن آن امتناع ورزید. (خطبه ۱۶۰)

الگو بودن زندگی حضرت علی (ع):

مذمت استاندار بصره به دلیل شرکت در مهمانی اشرافی.

❖ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنَزْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا

أَعَدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طَمْرًا وَ لَا حَزْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَيْبًا وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقَوْتِ أَتَانِ دَبْرَةَ وَ  
لَهِي فِي عَيْنِي أَوْهِي وَ أَوْهِنُ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةَ بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكَّ مِنْ كُلِّ مَا أَظَلَّتْهُ  
السَّمَاءُ فَسَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخَرِينَ وَ نِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ وَ مَا  
أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَطَانُّهَا فِي عَدِّ جَدْتٍ تَنْقَطِعُ فِي ظَلْمَتِهِ أَثَارُهَا وَ تَغِيبُ  
أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَةُ لَوْ زِيدَ فِي فَسَحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدًا حَافِرِهَا لِأَضْغَطِهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدْرُ وَ سَدَّ  
فُرْجَهَا التُّرَابُ الْمُتْرَاكِمُ وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ  
تَثْبُتَ عَلَيَّ جَوَانِبِ الْمَزَلْقِي وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا  
الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَرْزِ وَ لَكِنُّ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشْعِي إِلَى تَخْيِيرِ  
الْأَطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَارِ أَوْ الْيِمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ أَوْ أُبَيْتَ  
مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرَّتِي وَ أَكْبَادٌ حَرَّتِي. (نهج البلاغه: نامه ۴۵)

## روش های تبلیغی معصومان علیهم السلام

### ۱. منطقی و مستدل بودن:

دعوت به دین با ارائه دلیل و برهان و دوری از خرافات و ظنیات

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (الاحزاب: ۷۰)

❖ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدَلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (النحل: ۱۲۵)

لا اکراه فی الدین:

• نفی دین اجباری

• ایمان و اعتقاد از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد

حضرت نوح:

❖ أَنْ نُنزِلُكُمْ مَوَاطِنَ وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (هود: ۸)

پیامبر در مناطق مفتوحه مردم را بین دو امر مخیر می ساخت: اسلام بیاورند، یا باقی بودن بر دین خود و پذیرش حاکمیت سیاسی.

جریان خالد بن ولید در تهمامه و قبیله بنی خزاعه. پیامبر حضرت علی را برای جبران خسارت های وارده فرستاد پس از انجام خسارت از سوی حضرت فرمود: خدایا از کار خالد نزد تو بیزاری می جویم. (سیره: ج ۴، ص ۸۸۴)

برخورد پیامبر با قبیله بنی ضمیر: نماینده پیامبر نمیله بن عبد الله از آن منطقه بازگشت گفت آنان گفتند:

❖ ما نه می جنگیم، نه با او می سازیم، نه نبوت او را قبول می کنیم و نه او را دروغگو می

شماریم. مردم گفتند: ای رسول خدا با آنان جنگ کن. فرمود: ایشان را واگزارید. (مغازی:

ج ۱، ص ۱۵)

کنت درکو بینو:

❖ اگر اعتقاد مذهبی را از ضرورت سیاسی جدا کنند، هیچ دینانی تسامح جو تر و شاید بی

تعصب تر از اسلام وجود ندارد و در واقع همین تسامح و بی تعصبی بود که در قلمرو

اسلام بین اقوام و امم گوناگون تعاون و معاضدت را که لازمه پیشرفت تمدن اسلامی

است به وجود آورد و هم زیستی مسالمت آمیز عناصر نامتجانس را ممکن ساخت اما آن

چه استفاده از این هم زیستی را در زمینه علم و فرهنگ فراهم می کرد، علاقه مسلمانان

به علم بود که منشاء آن تاکید و توصیه اسلام بود در اهمیت و ارزش علم. (کارنامه اسلام

: ص ۲۵)

گوستاولوبون:

❖ زور شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت زیرا رسم مسلمانان این بود که هر کجا را فتح

می کردند، مردم آن جا را در دین خود آزاد می گزارند. این که مردم مسیحی از دین

خود دست برمی داشتند و به دین اسلام می گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود

برمی گزیدند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب های فاتح می دیدند

مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند. (تمدن اسلام و غرب: ج ۱، ص ۱۴۱)

## ۲. پرسش و پاسخ:

سعی در احیای فطرت و عقل مردم با روش پرسش و پاسخ

حضرت علی علیه السلام:

❖ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي (احتجاج: ج ۱، ص ۳۸۸)

امام باقر علیه السلام:

❖ الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَ الْمَفَاتِيحُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا بِرَحْمَتِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يُؤَجِرُ فِي الْعِلْمِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ

الْمُتَكَلِّمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُحِبِّ لَهُمْ (بحار: ج ۱، ص ۱۹۶)

در اصول کافی ۸۵۰ بار کلمات پرسشی سئل آمده

تصویر قرآن کریم از تبلیغ ابراهیم علیه السلام:

❖ وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَأَزْرَأُ أَنْ تَتَّخِذَ أَصْنَامًا ءِلَٰهَةً (الانعام: ۷۴)

❖ قَالَ أَ فَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (الشعرا: ۷۵)

❖ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ. أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (الشعرا: ۷۲ و ۷۳)

❖ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا (مريم: ۴۲)

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تَجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ. تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَتَّبِعُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (الصف: ۱۰ و ۱۱)

### ۳. پرهیز از نقل ظنیات:

معصومان در تبلیغ ها از نقل ظنیات و مطالب غیر علمی و غیر عقلی پرهیز داشتند.

❖ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

(الاسرا: ۳۶)

مذمت کسانی که از ظن و گمان پیروی می کنند:

❖ وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (يونس: ۳۶)

❖ اگر چیزی از ما شنیدید برقرآن و عقل صحیح عرضه کنید، اگر مخالف آنها بود از ما

نیست

عقل معیار سنجش حق و باطل:

❖ اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رَوَايَةٍ فَإِنَّ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَاتَهُ قَلِيلٌ (نهج

البلاغه: حکمت: ۹۸)

### ۴. استفاده از هنر:

قالب خاصی برای تبلیغ دین دیده نشده ولی نتیجه کار یعنی انتقال پیام اهمیت دارد.

اهمیت استفاده از ابزارهای مشروع و جذاب

نمونه:

\* قرآن کریم محتوای بسیار غنی، فصاحت و بلاغت و ترکیب کلمات فوق العاده زیبا و دلنشین “احسن الحدیث”

\* تلاوت قرآن ائمه علیهم السلام با آهنگ خوش و جذاب:

❖ زَيْنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ (بحار الأنوار: ج ۸۹، ص ۱۹۰)

❖ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ (الكافی: ج ۲، ص ۶۱۶)

راز ماندگاری سخنان حضرت علی غیر از محتوای بالا، مدیون زیبایی و فصاحت خطبه ها و کلمات است.

تاثیر خطبه های امام علی در همام.

هماوردی خطبه های امام حسین از مکه تا کربلا بویژه خطبه روز عاشورا

حضور شاعران در دستگاه تبلیغاتی پیامبر و ائمه علیهم السلام (حسان بن ثابت)

تبیین و آموختن آموزهای دینی در لباس زیبای شعر

عدم اکتفا معصومان به سخنرانی و خطابه برای تبیین تعالیم دین و استفاده از شیوه ها و ابزارهای دیگر مانند:

حساب کشیدن پیامبر از ابودر و سلمان بر روی چهار پایه داغ در باره پول هایی که به آنها داده بود و تشبیه آن به حساب

روز قیامت.

جریان ملاقات و درخواست عقیل از حضرت علی از بیت المال و یادآوری آتش جهنم با استفاده از بیله ای آهنی و داغ.

وضوی نمایشی امام حسن و امام حسین و توجه دادن پیر مرد به اشتباه وضویش

جریان جمع آوری هیزم در صحرای بی آب و علف توسط اصحاب.

نقش رسانه ها در عصر حاضر و تبدلات فرهنگی. دهکده جهانی و استفاده از تکنولوژی های موجود در این عرصه برای

انتقال مضامین و محتوای دینی و فرهنگی.

### استفاده از تمثیل و تشبیه:

تفهیم معانی عمیق عقیدتی و اخلاقی با استفاده از صنایع ادبی:

❖ وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِلَبًا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءَ وَ نِدَاءَ صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ (البقره: ۱۷۱)

❖ وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَلَمَّا أَتَتْ أَكَلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصْبِحْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (البقره: ۲۶۵)

❖ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَ لَّا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (النور: ۳۵)

❖ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّقَوْا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّقَدَّتْ بَيْتًا وَ إِن أُوْهِنَ الْبُيُوتَ لَبَيَّتْ الْعَنْكَبُوتِ (العنكبوت: ۴۱)



❖ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (الرعد: ۳۵)

## ۵. تحلیل و تبیین:

فراهم سازی بستر خرد ورزی در سایه تحلیل آموزه های دینی

به جای تحکم و تحمیل در مباحث اعتقادی به اقامه برهان و در احکام به بیان حکمت، فلسفه و کارکرد آنها توبه داشتند.

نمونه ها:

۱. پیامبر اکرم در برابر کسانی که در ادعای نبوت و پذیرش آن تردید داشتند فرمود:

❖ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقره: ۲۳)  
❖ وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعِلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهَا مَن كَانُوا يُفْتَلِرُونَ (القصص: ۷۵)

۲. با توجه به کشش های غریزی و تمایلاتی که در انسان با تعالیم دینی است، در قرآن کریم پس از امر به پرستش

خداوند به شمه ای از جهات ربوبی او اشاره می کند (فلسفه عبودیت)

❖ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ (البقره: ۲۱)  
❖ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ ءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (قریش: ۳، ۴)  
۳. نهی از پرستش بتان از زبان حضرت ابراهیم:

❖ أَمْ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَ لَا يَضُرُّكُمْ (الانبیا: ۶۶)

۴. معرفی نماز به عنوان کاملترین نماد خداپرستی و توحید و زیباترین جلوه بندگی:

❖ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنفَعُكَ تَنفَعُكَ تَنفَعُكَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ (العنکبوت: ۴۵)

۵. فوائد زکات و صدقات:

❖ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا (التوبه: ۱۰۳)

۶. درباره مراسم حج:

❖ وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرَ رَجَالًا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكَلِمَاتٌ مِّنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (الحج: ۲۷، ۲۸)

۷. حضرت علی اشاره به فلسفه تقوا:

❖ أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ضَرَبَ لَكُمْ الْأَمْثَالَ وَ وَقَّتْ لَكُمْ الْأَجَالَ وَ أَلْبَسَكُمْ الرِّيَاشَ وَ أَرْفَعَتْ لَكُمْ الْمَعَاشَ وَ أَحَاطَ بِكُمْ الْإِحْصَاءَ (نهج البلاغه: خطبه ۸۲)

❖ أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي أَلْبَسَكُمْ الرِّيَاشَ وَ أَسْبَغَتْ عَلَيْكُمْ الْمَعَاشَ (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۳)

- ❖ أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَ إِن لَّمْ تُحِبُّوا تَرَكْهَا وَ الْمُبْلِيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجَدِّدْهَا (نهج البلاغه: خطبه ۹۸)
- ❖ أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَ بِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ وَ مَعَادٌ مُنْجِحٌ دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ وَ وَعَاها خَيْرٌ وَاعٍ فَأَسْمَعُ دَاعِيَهَا وَ فَازَ وَاعِيَهَا (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۳)

اشاره به دو نکته:

۱. هدف انبیا از تحلیل و تبیین ایجاد فضای انتخاب آگاهانه برای بندگان بود زیرا:

عبادت آگاهانه ارزشمندتر از عبادت کورکورانه است

عبودیت آگاهانه از خطرات بیشتر در امان است

۲. معیار و اساس در هدایت و حی و تعالیم و حیوانی است نه عقل، برخلاف عقل گرایان که می خواهند همه چیز حتی دین هم به تائید عقل ناقص بشری برسد.

## ۶. یاری گرفتن از دیگران و پرهیز از تک محوری و فردگرایی:

نمونه ها:

جریان حضرت موسی و طلب یاری و همراهی برادرش هارون:



پیامبر و دعوت بستگان و استمداد از آنها در آغازین سال های بعثت از سوی پیامبر اسلام: تقسیم مسئولیت فرهنگی بین افراد مختلف و ارسال مبلغان و مربیان قرآن به مناطق مختلف: تشکیل سازمان وکالت و تربیت نیروهای مخلص در عصر امام صادق و ائمه بعدی علیهم السلام:

## ۷. بسترسازی اجتماعی:

تبلیغات دینی توسط مبلغان و عالمان وارسته در جامعه پر اختلاف و کشمکش دائمی با فاصله طبقاتی و در دل انسان های پرکینه تاثیر نخواهد داشت بلکه جامعه ای سالم لازم است.

سعی معصومان بر بسترسازی اجتماعی:

مبارزات حضرت ابراهیم با نمرو، حضرت موسی با فرعون و پیامبر اسلام با سران شرک:

عقد اخوت و پیمان عمومی مدینه و تلاش برای ایجاد الفت بین اوس و خزرج هم نمونه هایی از آن است:

قرآن هدف از بعثت انبیا را برقراری قسط و عدل:

هدف میانی برای رشد و تعالی انسانها و رسیدن انسانها برای قرب الهی:

تلاش و اتمام ائمه برای فراهم ساختن جامعه ای مکلف (مبارزه با انحرافات، تربیت شاگردان...)

تلاش امام علی در انجام اصلاحات: اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

تلاش امام حسین علیه السلام

تلاش فرهنگی امام سجاد، امام باقر و امام صادق:

## ۸. برخورد منطقی با مخالفان:

شیوه انبیا و معصومان تبیین منطقی و مستدل دیدگاه های خود، مجال سوال برای دیگران و پذیرش از روی استدلال و فهم.

❖ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ  
أُولُوا الْأَلْبَابِ (الزمر: ۱۸)

علامه طباطبائی:

❖ بندگان خدا طالب حق و رشد هستند. گوش دادن به سخن ها برای یافتن حق است.

حضرت علی (ع):

❖ حدوا الحکمة ولو من المشركين

❖ الْحِكْمَةُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ (نهج البلاغه: حکمت: ۸۰)

توصیه اهل بیت به پیروان و اصحاب بر نداشتن جمود فکری و تعصب و توصیه به آزاد اندیشی قرآن:

❖ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقره: ۱۱۱، النمل: ۶۴، الانبیا: ۲۴ و القصص: ۷۵)

مناظره پیامبر در مدینه با اهل کتاب:

❖ قُلْ أ تَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ (البقره: ۱۳۹)

❖ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَ مَنْ أَتَبَعَنِي وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ

أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ (آل عمران: ۲۰)

نیت خیر و دلسوزانه پیامبران در مواجهه با مخالفان و تحمل ناملایمی ها، برای مثال به حضرت نوح تهمت سفاهت می زدند، می فرمودند:

❖ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الاعراف: ۶۷)

پیامبر اسلام در برابر مشرکان که می گفتند: این هذا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ می فرمود:

❖ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (سبا: ۲۴)

برخورد محبت آمیز ائمه در مقام گفتگو و بحث علمی:

جریان حضرت علی با یهودی که حضرت فرمود: سلونی قبل ان تفقدونی:

گفت: أَيُّهَا الْمُدْعَى مَا لَا يَعْلَمُ وَ الْمُقَلَّدُ مَا لَا يَفْهَمُ أَنَا السَّائِلُ فَأَجِبْ

اصحاب خواستند به آن فرد حمله کنند که حضرت مانع شد و فرمود: سَلُّ بِكُلِّ لِسَانِكَ

پس از چندین سوال و جواب گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

اهانت ابن ابی العوجا از زنداقه در کنار قبر پیامبر: (که در حیرتم چگونه این مرد برگردن مردم افسار زده و در روز ۵ بار صدای شهادت به پیامبری او بلند می کنند)

مفضل نتوانست تحمل کند و فریاد کشید: ای دشمن خدا! اگر در وجود خود تفکر می کردی نشانه های الهی را می یافتی...!

ابن ابی العوجا پرسید، تو از کدام نحله کلامی هستی؟ اگر از اصحاب جعفر بن محمد هستی ما بدتر از این حرفها را نزد او می زنیم او سکوت می کند به گونه ای که ماگمان می کنیم پذیرفته است اما ...

❖ وَ لَا تَلِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَطِّقُنَّ لَهُ مُسْلِمُونَ (العنکبوت: ۴۶)

در اسلام مجادله و مناظره برای کشف حقیقت است نه طرد و کوبیدن طرف مقابل

#### شرائط گفتگو در سیره معصومان:

- حرف بی دلیل زدن و گفتار طرف مقابل را بی دلیل رد نکردن
- فرصت دادن به مخالف برای بیان عقیده
- رفتاری شایسته منطقی بدون تحمیل عقیده
- پذیرش سخنان حق و فعال ساختن ذهن مخالف با طرح سوال

### ۹. تکرار دلنشین:

شیوه معصومان تکرار مطالب اصولی، بیان های گوناگون به سبکی شیرین و دلربا حضرت علی هر شب به نماز گزاران سفارش می کرد که مرگ را فراموش نکنید و برای سفر آخرت آماده باشید.

❖ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ يُنَادِي النَّاسَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى يُسْمِعَ أَهْلَ الْمَسْجِدِ أَيُّهَا النَّاسُ تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ (بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۷۲)

تکرار در قرآن برای یاد گیری:

❖ وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا (الاسرا: ۴۱)

❖ تکرار: (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) در قرآن ۳۱ بار

- ❖ تکرار: (أ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ) در قرآن ۵ بار
- ❖ تکرار: (فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذْرِي) در قرآن ۴ بار
- ❖ تکرار: (وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ) در قرآن ۴ بار

### ۱۰. مختصر و مفید سخن گفتن:

بیان مقاصد با کوتاه ترین بیان در خطبه ها و سخنرانی ها

کلمات و جملات نهج البلاغه و نهج الفصاحه

- ❖ یکی از اصحاب: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا يَطِيلُ الْمُوعِظَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِنَّمَا هُنَّ كَلِمَاتٌ يَسِيرَاتٌ
- ❖ عمار یاسر: أمرنا رسول الله -صلى الله عليه وآله وسلم- بإقصار الخطبة

### ۱۱. به کار گیری وسائل مشروع:

پرهیز از به کار گیری ابزارهای نامشروع در پیشبرد اهداف خود

گسترش حق به وسیله حق

نمونه ها:

۱. جریان رحلت ابراهیم فرزند پیامبر و تاثر و اشک ریختن پیامبر و تصادفاً خورشید گرفتگی و شایعه مردم مبنی بر علت

خورشید گرفتگی رحلت ابراهیم است.

در نتیجه ایمان بیشتر مردم به پیامبر.

ولی پیامبر ابا داشت که از جهالت مردم برای هدایت آنها به نفع اسلام استفاده کند، روایت امام کاظم که پیامبر بر منبر

رفت و فرمود:

- ❖ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعَانِ لَهُ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا انْكَسَفَا أَوْ أَحَدُهُمَا صَلُّوا (بحار الأنوار: ج ۲۲، ص ۱۵۵)

۲. نقل از ابن عباس: درباره مذاکره نمایندگان قبیله ثقیف و پیامبر که به سه شرط ایمان آوردن:

معاف شدن از نماز: رد

نشکستن بت ها: پذیرش

اجازه عبادت بت ها به مدت یک سال: رد

پیامبر حاضر نشد برای اسلام آوردن قبیله ثقیف شروط نا مشروع آنها را بپذیرند

## ۱۲. تکریم مخاطب:

سیره معصومان تکریم مخاطبان و پرهیز از تحقیر و توهین نسبت به آنان.

یاد آوری کرامتی که خداوند به انسان داده:

❖ وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَلَدِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (الاسراء: ۷۰)  
توجه به مخاطبان، اقدام و برآوردن خواسته های آنان.

پیامبر اکرم و سلام بر مومنان:

❖ وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (الانعام: ۵۴)

تکریم افراد، کمک به احیای من واقعی آنان و زمینه دلدادگی و شنیدن حرفهای معصومان است.

## ۱۳. استفاده از همه ی فرصت ها

استفاده از تمامی شرایط سیاسی و اجتماعی برای انتشار اسلام

الف) ایجاد پایگاه های تبلیغی:

- خانه ارقم بن ابی الارقم: مکانی برای آموزش قرآن و تعالیم اسلام
- مسجد الحرام: پس از دعوت علنی برای فعالیت های ارشادی
- مسجد قبا: مرکز دعوت پس از ورود به مدینه
- مسجد النبی: منشا بزرگترین تحولات سیاسی، فرهنگی اجتماعی و نظامی

ب) هجرت:

- هجرت مسلمانان به حبشه به دنبال فشار و سختگیری قریش
- هجرت به طائف
- هجرت به مدینه و تشکیل دولت اسلامی

ج) اعزام مبلغ:

- اعزام مبلغان و تربیت شدگان مکتب اسلام به مناطق دیگر و نقش آن در گسترش اسلام
- اعزام قاریان قرآن به مناطق مختلف

➤ اعزام معاذ بن جبل به حمیر، عمر بن حزم به سوی خاندان بنی الحارث، مصعب بن عمیر به مدینه و اعزام علی بن ابی طالب به یمن.

(د) ارسال نامه به امپراطوران:

➤ هدایت جامعه جهانی و ارسال نامه به سران جهان در سال ششم هجرت (نجاشی، قیصر روم، خسرو پرویز، مقوقس، حارث بن غسانی و هوذ بن علی)

➤ ادامه ارسال نامه ها به سران جهان تا سال دهم هجرت

(ه) جهاد:

➤ عدم اکتفا به تبلیغ

➤ دعوت به مبارزه و جهاد پس از قدرت یافتن اسلام

➤ انجام غزوات و سریه های متفاوت

## ۱۴. متناسب با فهم مخاطب سخن گفتن:

❖ پیامبر: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ (الكافی: ج ۱، ص ۲۳)

❖ امام صادق: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ (الكافی ج ۱، ص ۲۳)

بیان مطالب عمیق برای همه مردم به صورت قابل فهم

البته بیان مطالب سنگین فلسفی و عرفانی برای صاحبان سر

❖ النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ (بحار، ج ۶۱، ص ۱۰۶)

❖ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (النحل: ۱۲۵)

تفاوت ارتباط پیامبر و امیر مومنان علی با سلمان در مقایسه با دیگران

❖ كَأَنَّا يُحَدِّثَانِهِ بِمَا لَا يَحْتَمِلُهُ غَيْرُهُ مِنْ مَخْزُونٍ عَلِمَ اللَّهُ وَ مَكْنُونِهِ (بحار الأنوار: ج ۲۲، ص ۳۳۱)

❖ سفارش پیامبر به دیگران: لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ أَوْ تُحِبُّونَ أَنْ يُكْذَبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

(مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۲۷۵)

❖ همچنین حضرت فرمود: إِنَّ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ (ع) قَامَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ،

لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ الْجَهَالِ فَتُظْلَمُوا وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلَهَا فَتُظْلَمُوا

## ۱۵. بیان تدریجی:

ایمان مقوله ای دو مراتب است و رسیدن به قله نیازمند شناخت و طی مسیر طولانی کمال (مانند پرورش هستیم)

ضرورت توجه مربیان دینی به رعایت سیر منطقی مباحث

### نمونه ها:

رعایت تبلیغ تدریجی در سیره معصومان:

❖ مسیر تدریجی قرآن: وَ قُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا  
(الاسراء: ۱۰۶)

تساهل و تسامح در مکه:

توجه به معاد و ابعاد اولیه تعالیم دین :

- رستاخیز و معاد
- اخلاق و احکام
- آداب و اسرار عبادات و عرفان

سختگیری و جدیت در مدینه:

توجه به احکام اجتماعی و حدود و حکومتی دینی:

## ۱۶. توجه به همه ابعاد دین:

جامعیت دین:

نیازهای فردی و اجتماعی انسان . کارآمدی دین برای رفع نیازها

توجه به قرآن کریم واحادیث نبوی و علوی

مباحث اعتقادی، احکام فقهی، مسائل اخلاقی

اهمیت اعتقادات: زیبا پشتوانه اخلاق و احکام فقهی و اجتماعی اسلام است.

توجه به کار کرد سیاسی و اجتماعی دین در میان معصومان

## ۱۷. غیرت دینی:

اهمیت فوق العاده معصومان نسبت به حدود الهی و ارزش های دینی

نمونه ها:

دفاع از دین با تمام هستی خود:

❖ امیر مومنان علی:

برجسته ترین مصداق غیرت دینی، نهضت خونین عاشورا/ دفاع از دین و ارزش های اسلامی زمانی که بنی امیه برای

تحریف و نابودی دین کمر بسته اند؛



علت قیام از زبان امام حسین:

- ❖ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا
  - ❖ فَإِنَّ السَّنَةَ قَدْ أَمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ،
  - ❖ انا اولی من قام بنصره دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبيله لتكون كلمه الله هی العليا
- جریان حضرت موسی و هارون بعد از برگشت از کوه طور و برگشت مردم و گوساله پرست شدن آنها، عصبانی شد و او را استنطاق کرد:

- ❖ وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تُلَاحِظُنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الاعراف: ۱۵۰)

## سیره سیاسی معصومان علیهم السلام

اندیشه سیاسی اسلام و شیعه

- حق حاکمیت الهی
- تفویض حق حاکمیت به پیامبران و نمایندگان
- وظائف پیامبران در جامعه
- دریافت و ابلاغ وحی
- مرجعیت دینی
- ولایت و حکومت در جامعه برای اجرای احکام دین

تفویض امر حکومت و مرجعیت دینی به ائمه علیهم السلام پس از پیامبر خاتم از طرف خداوند.

دلایل قرآنی و روایی:

- ❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (النسا: ۵۹)

❖ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (المائدة: ۵۵)

❖ قال الصادق: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ وَإِنِّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لَيْسُوسَ عِبَادِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَلَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ فَتَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ (بحار الأنوار: ج ۱۷، ص ۴)

ائمه علیهم السلام حامل ودايع رسالت:

❖ قال علي: فَمَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ ص فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا (الكافي: ج ۱، ص ۲۶۸)

❖ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ (فرازی از زیارت جامعه کبیره)

سیاست عین دیانت از منظر اهل بیت:

موضع گیری سیاسی اجتماعی هر امامی در زمان خود بسته به شرائط و مقتضیات بهترین ممکن بود:

- اصلاحات امام علی
- صلح امام حسن
- قیام امام حسین
- انقلاب فرهنگی از امام سجاد، امام باقر و امام صادق
- تلاش های پیامبر در مدینه برای تشکیل حکومت
- اقدامات امام علی بعد از رحلت پیامبر برای احقاق حق خود
- موضع گیری امیر المومنین و امام حسن در مقابل معاویه
- موضع گیری و نهضت امام حسین در برابر معاویه و یزید
- موضع گیری های سایر ائمه در مقابل سلاطین و حکام جور

هیچکدام با جدائی دین از سیاست نمی سازد

ماهیت معارف و احکام دین بعضاً فقط در ابعاد اجتماعی و حکومتی قابل تحقق و اجرا است (حدود، دیات و اخلاقیات)

تلاش سیاستمداران برای نابودی دین خدا:

شعار جدائی دین از سیاست

آشنائی با سیاست برای آشنائی با سیاسیون برای فقط دین

بنیان اصول سیاسی اهل بیت بر اساس بینش توحیدی با هدف:

- تصحیح روابط فردی و اجتماعی

- قیام به قسط و عدل (فلسفه حکومت)
- نجات انسانها از قید بندگی غیر خدا
- رعایت بیت المال و امانت الهی
- رعایت اصول اخلاقی و انسانی

نمونه کامل حکومت دینی (حکومت امام علی)

## برخی اصول و سیره حکومتی آن بزرگواران

### ۱. قدرت، ابزار خدمت:

قدرت و منصب ابزاری برای برقراری عدالت و احقاق حق و نابودی باطل و برپائی دین خدا است. هدف پیامبران و معصومان برپائی دین، احیای ارزشهای الهی و انسانی. قدرت ابزاری برای اهداف است نه اینکه خود قدرت هدف باشد.

نمونه ها:

پیامبر (ص): موفقیت در مدینه پس از تشکیل حکومت و رسیدن به قدرت

حضرت علی:

- ❖ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا (نهج البلاغه: خطبه ۳)
- ❖ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحِطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱)
- ❖ آنی لم أرد الإمرة و لا علو الملك و الرئاسة و إنما أردت القيام بحدودك و الأداء لشرعك و وضع الأمور في مواضعها و توفير الحقوق على أهلها و المضى على منهاج نبيك و إرشاد الضال إلى أنوار هدايت
- ❖ به اشعث بن قيس والى أذربايجان: وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تُفْتَتَّ فِي رِعِيَّةٍ (نهج البلاغه: نامه ۵)
- ❖ هنگام ورود به کوفه به مردم گفت: این اموال من است، این غلام و مرکب من، اگر وقت رفتن از کوفه بیش از این بردم بدانید به شما خیانت کردم. (الغارات: ج ۱، ص ۴۴)

### ۲. ساده زیستی در عصر حاکمیت:

زندگی در نهایت ساده زیستی و اعتدال

بی توجهی به جاذبه های دنیا و وارستگی از دل بستگی های دنیا.

نمونه ها:

حضرت علی در ستایش زهد، به زندگی پیامبر اشاره می کند:

❖ وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِبِهَا وَ مَسَاوِيهَا إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَ وَطِئَتْ لِغَيْرِهِ أَكْنَافُهَا وَ قُطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا وَ زُويَ عَنْ زَخَارِفِهَا (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰)

درباره پیامبر می فرماید:

❖ وَ لَقَدْ كَانَ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَ يُرْدِفُ خَلْفَهُ وَ يَكُونُ السِّتْرَ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فَلَانَةُ لِإِحْدَى أَزْوَاجِهِ غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَارِفَهَا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا وَ لَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰)

همچنین فرمود:

❖ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ فَقَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَاءِ النَّاسِ كِي يَفْتَدِيَ الْفَقِيرَ بِفَقْرِي وَ لَا يُطْعِمِي الْغَنِيَّ غِنَاهُ (الكافي: ج ۱، ص ۴۱۰)

عبد الله بن ابی رافع نقل می کند:

❖ روز عیدی نزد امیر المومنین رفتیم، کیسه ی چرمی آوردند در آن مهر شده بود باز کردند در آن نان جوی خشک و خرد شده بود، پرسیدم: چرا در کیسه را مهر کرده اید؟ فرمودند: خوف آن داشتیم که پسرانم آن را به روغن آغشته کنند. (اصول کافی ج ۵ ص ۷۴)

دو سوال:

۱. اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا (من لايحضره الفقيه: ج ۳، ص ۱۵۶) تلاش برای رفع

حاجتمندی + رد دل بستگی به دنیا

۲. امروز با توجه به امکانات رفاهی و فرهنگ عمومی تجملاتی چگونه می توان این سیره را پیاده نمود؟ و چگونه می توان

بین این سیره و سیره ائمه بعدی جمع نمود ه زندگی زاهدانه ای نداشتند؟

ائمه مانند یک شخص ۲۵۰ ساله اند شرایط زمان و مکان

۳. شایستگی معنوی و جسمی، معیار گزینش کار گزاران:

معیار مورد تاکید اهل بیت در انتخاب کار گزاران و نمایندگان: تقوا، توانائی و پای بندی به ارزش های دینی.

اهمیت نداشتن ملاک خویشاوندی و قوم گرایی

## نمونه ها:

۱. معیار مورد توجه در انتصابات پیامبر و حضرت علی
  ۲. جریان نزول آیه زکات و در نظر گرفتن شخصی برای کارکنان جمع آوری آن. عده ای از بنی هاشم تقاضا داشتند به سبب خویشاوندی جمع آوری زکات به آنان واگذار شود. پیامبر در پاسخ فرمودند: صدقه و زکات بر من و بنی هاشم حرام است. حتی از جمع آوری آن هم کنار زده شدند. سپس فرمودند: آیا گمان می کنید من دیگران را بر شما ترجیح می دهم؟ خیر بلکه من خیر و صلاح شما را می خواهم. (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۸)
  ۳. از میان ۵۱ کارگزار حضرت علی از همه چهره ها جز انصار، یمنی، نزاری، هاشمی، غیر هاشمی، عراقی، حجازی ... دیده می شود. اما نامی امام حسن و امام حسین، محمد بن حنفیه، عبد الله بن جعفر به چشم نمی خورد بویژه پس از آنچه در عصر عثمان انجام شد
  ۴. ترتب در فرماندهی جنگ موته: جعفر طیار، زید بن حارثه، عبد الله بن رواحه نجاشی را یک روزه عزل کرد. صدایش را بیشتر از متهمان می کرد در مقام قضاوت
۴. احترام به افکار عمومی (اصل مشورت):

❖ وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران: ۱۵۹)

سؤال: جایگاه احترام به افکار عمومی چیست؟

جواب:

- ۱) آنجا که وحی و نص قاطع حکم آن را معین کرده باشد جای هیچ مداخله و اظهار نظری نبود.
  - ۲) در جایی که حکمی نباشد (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)
- در مسائل شخصی (افراد آزاد بود و مستقل در تصمیم گیری)
- در مسائل اجتماعی (پرهیز از استبداد و گرفتن نظر مشورتی و بررسی آنها)

## نمونه ها:

- أ. پیامبر در جنگ بدر در سه مرحله اصحاب خود را به مشاوره دعوت کرد.
- اول: در باره اصل جنگ با قریش یا ترک جنگ که همگی جنگ را ترجیح دادند.
- دوم: درباره محل اردوگاه (نظر حباب بن منذر تأیید شد)
- سوم: درباره چگونگی با اسیران (موافقت با آنکه در مقابل فدیة آنها را آزاد کنند)

- ب. در جنگ احد و چگونگی جنگ در داخل شهر با ایجاد استحکامات دفاعی، یا بیرون شهر به مشورت پرداخت.  
(نظر دوم تأیید شد)
- ج. در جنگ احزاب (پس از مشورت مقرر شد کوه سلع را تکیه گاه قرار داده پیشاپیش جبهه خندق حفر کنند).
- د. در غزوه تبوک (که امپراتور روم از پیشروی مسلمانان در حواس بود با مشورت مسلمانان عدم جنگ و مراجعت را برگزید)
- ه. به دنبال حرکت بیعت شکنان (ناکثین) حضرت علی ابن عباس، محمد بن ابی بکر، عمار و سهل بن حنیف را فراخواند و مشورت کرد.
- و. مشورت و تشویق به نظر دهی عبدالله بن عباس استاندار بصره از سوی حضرت علی علیه السلام مخالفت نظرها.
- ز. امام رضا: حسن بن جهم گوید نزد حضرت رضا بودیم درباره پدرش صحبت شد فرمود:

❖ با آنکه عقلی چون عقل او نبود و عقلش برتر از همه بود، اما گاهی با خدمت کار خود مشورت می کرد. به امام عرض شد آیا شما هم با چنین فردی مشورت می کنید؟ فرمود: آری چه بسا خداوند تبارک و تعالی حق و آنچه که ما می خواهیم بر زبان او جاری می سازند. (بحار الانوار: ج ۷۲، ص ۱۰۱)

### ۵. استخدام وسیله توسط اهل بیت (ع):

استفاده از ابزار مشروع و مجاز برای رسیدن به هدف (در مقابل این هدف وسیله را توجیه می کند و جواز استفاده از هر وسیله ای)

امروزه استفاده از ابزارهای مشروع و نامشروع برای رسیدن به قدرت در سیاست یا پول در اقتصاد یا اعتبار در اجتماع (فروشنده زن در فروشگاه ها، منشی خانم در مطب، حتی مجریان و گویندگان زن در رسانه ها ...)

**نمونه ها:**

رحلت ابراهیم پسر رسول الله از ماریه قبطیه و هم زمان با آن گرفتگی خورشید و شیوع این جمله که به خاطر رحلت ابراهیم بود. مخالفت پیامبر با این شایعه و عدم سوء استفاده از آن:

❖ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعَانِ لَهُ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ فَإِنْ أَنْكَسَفَتَا أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُمَا فَصَلُّوا (الكافی: ج ۳، ص ۲۰۸)

بیعت نکردن معاویه با حضرت علی و پیشنهاد مغیره بن شعبه بر ابقاء او تا اوضاع استوار شود. مخالفت امام که فرمود: به خدا سوگند من نیز می دانم صلاح دنیای من همان است که عمال عثمان را ابقا کنم اما تکلیف من با شناختی که دارم به من امر می کند که هیچ گاه آنان را مهلت ندهم.

حضرت علی معتقد بود که پیروزی به وسیله ستم و بقای حکومت به بهای زیر پا گذاشتن قرآن و سنت عین شکست است.

❖ مَا ظَفَرَ مَنْ ظَفَرَ الْإِثْمُ بِهِ وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ (نهج البلاغه: حکمت ۳۲۷)

تاکید امام علی بر پخش بیت المال و غنائم به صورت مساوی و مخالفت با بخشش بیشتر به کسانی که با بخشش بیشتر خطرشان کم می شود یا مساعدشان بیشتر.

گرفتن شریعه مدیریت لشکر امام علی پس از تصرف اولیه لشکر معاویه و تصمیم اصحاب بر ندادن آب به لشکر معاویه، مخالفت امام که گفت:

❖ خذوا من الماء حاجتکم و ارجعوا إلى معسکرکم و خلوا بینهم و بین الماء فإن الله قد

نصرکم علیهم بظلمهم (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۳، ص ۲۹)

سیره حضرت رعایت اصول و معیار های محکم و جاودانه اخلاقی و دینی است برخلاف معاویه و امثال او:

❖ وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأُدْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أُدْهَى

النَّاسِ وَ لَكِنْ كُلُّ غُدْرَةٍ فَجْرَةٌ وَ كُلُّ فَجْرَةٍ كُفْرَةٌ وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لُؤَاءٌ يَعْرِفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ

مَا أَسْتَغْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ وَ لَا أَسْتَعْمَزُ بِالشَّدِيدَةِ (نهج البلاغه: خطبه ۲۰۰)

## ۶. قانون محوری:

نظم در جامعه در سایه ایمان به قانون و عمل به آن است.

اجرای قانون بدون کوچکترین تردید و هراسی: وَ لَا يَلْبِغُونَ لَوْمَةً لَأَئِمٍّ (مائده: ۵۴)

نمونه ها:

۱. اجرای قانون بریدن دست فاطمه مخزومی زن سرشناس به دلیل دزدی بدون توجه به درخواستهای دیگران و جمله

معروف که: بدبختی امت های پیشین در این بود که حکم خدا را درباره ضعفا جاری می ساختند و درباره بزرگان کوتاهی

می کردند ... به خدا سوگند اگر دخترم فاطمه نیز چنین کاری کند، حکم خدا را اجرا می کنم و در برابر قانون خدا

فاطمه مخزومی با فاطمه محمدی یکسان است. (الاستیعاب: ج ۴، ص ۳۷۴)

۲. جاری ساختن حد شراب بر نجاشی از شاعران و دوستدار علی حتی با تهدید بزرگان قوم او.

اصرار بر اجرای قصاص عبید الله بن عمر در قتل هرمان و دختر ابو لولو.

## ۷. انتقاد پذیری:

آمادگی پذیرش انتقاد از سوی معصومین (اگر عظمت و موقعیت والی مانع انتقاد باشد، چرخ اصلاحات به کندی پیش می

رود)

## نمونه ها:

(۱) حضرت علی:

❖ فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِيَ، وَلَا أَمَنْ

ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶)

تبیین و توجیه روایت:

توجه به خطاپذیر بودن همه ممکنات مگر در عنایت پرتوی الهی (عصمت ائمه و عنایات افراد عام)

راهکار برای همه مسلمانان که افکار و اندیشه های خود را درباره سیاست های زمامداران بازگو کنند (جنبه تعلیم و

تربیت)

(۲) گریه پیامبر بر ابراهیم و انتقاد عبد الرحمن بن عوف بر او و بیان پیامبر بر اینکه:

❖ من از چنین گریه ای که عشق و عاطفه انسانی برخیزد نهی نکردم گریه من رحمت است

و آن کسی که رحم نکند مورد رحم قرار نمی گیرد.

(۳) تاسیس خانه عدالت خواهی در زمان امام علی که مردم شکایت خود را از نظام به آنجا می برند تا امام از نزدیک با درد

مردم آشنا شود:

(۱) آشنائی با مشکلات

(۲) هم بیان نیاز مندی بدون اعلان عمومی و به منظور حفظ آبرو

❖ من کانت له الی منکم حاجة فلیرفعها فی کتاب لاصون وجوهکم فی المسألة

ابو هلال عسگری: در تاسیس چنین خانه ای امام را پیشگام دانسته و می گوید:

❖ حتی برخی دشمنان که منافع آنان به خطر افتاده بود در نامه هایی مطالب ناروا می

نواشتند و به آن خانه می افکندند. (الاول: محمد تقی تستری، ص ۱۴۲)

## ۸. انسان محوری (اصل تکریم):

از اصول سیاسی اهل بیت در حکومتشان بود.

اگرچه سعادت، شرافت و نجات اخروی از آن انسانهایی است که پیرو آخرین شریعت هستند اما اهل بیت هرگز انسانها را

به جرم مسلمان نبودن فاقد احترام و بی بهره از حقوق اجتماعی نمی شمردند.

## نمونه ها:

(۱) پیر مرد مسیحی که به دلیل عجز و ناتوانی در آکر عمر زندگی به گدائی می گزراند در حالیکه در جوانی قدرت داشت

و کار می کرد، حضرت پس از آگاهی فرمود:



❖ عجب تا وقتی که توانائی داشت از او کار کشیدید و اکنون او را به حال خود گذاشته اید؟

بنابر این بر عهده حکومت و اجتماع است که تا زنده است او را تکفل کند، بروید از بیت

المال به او مستمری بدهید. (وسائل الشیعه: ج ۱۵، ص ۶۶)

۲) نامه امام به مالک اشتر:

❖ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْكَمُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ

لَكَ فِي الْخُلُقِ (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

۳) امام صادق در راه مکه به مدینه، چشمش به مردی افتاد که روی تنه درختی انداخته است. امام نزدیک آمد و از او

پرسید تشنه ای؟ و پس از آن به دستور امام اصحاب به او آب دادند و قیافه مرد حاکی بود که مسیحی است و مسلمان

نیست. مصادف از اصحاب امام پرسید: آیا به مردی نصرانی نیز صدقه می دهی؟ حضرت فرمود: در چنین حالتی آری.

(وسائل الشیعه: ج ۹، ص ۴۰۹)

## ۹. تعهد به اصول اخلاقی:

از اصول سیاسی اهل بیت رعایت اصول اخلاقی

تسلیم احساسات نشدن علیرغم ظلم و ستم هایی که بر اهل بیت رفت

نمونه ها:

در جنگ بدر، پیامبر چاه ها را بست اما یک چاه را برای استفاده مشرکان قرار داد.

در جنگ صفین وقتی حضرت علی و مسلمانان بر شریعه دست یافتند، دشمن را در بهره برداری از آب فرات آزاد گذاشتند

(در حال نبرد با بدترین دشمن هم اهل بیت پای بند به اصول اخلاقی بود و خود را ملتزم به رعایت آن می داشتند)

در جنگ ها به شدت سپاهیان خود را از کشتن زخمی ها، بچه ها، برده ها، زن ها و اسراء منع می کردند.

## ۱۰. امنیت همگانی:

تلاش اهل بیت برای برقراری امنیت همگانی

نمونه ها:

۱) پیامبر پس از مهاجرت به مدینه (تاسیس دولت، پیمان نامه عمومی برای امنیت همه ساکنان حجاز)

۲) حضرت علی بر قراری امنیت را از اهداف تاسیس حکومت خود می داند و می فرماید:

❖ خدایا تو می دانی که آنچه ما انجام دادیم برای ملک و سلطنت نبود... بلکه به خاطر این

بود که نشانه های از بین رفته دینت را باز گردانیم و صلح و مسالمت را در شهرهایت

آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در ایمنی قرار گیرند... (خطبه ۱۳۱)

۳) ایجاد امنیت فکری، مالی و روانی از همه جهت، می فرمایند:

❖ فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاءِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

۴) وقتی شنید لشکر معاویه وارد شهر انبار شده و یکی از آنان گوشواره و خلخال یک زن مسلمان و یک زن غیر مسلمان که در پناه اسلام بوده ربوده است فرمودند:

❖ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَاءَ مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا (نهج البلاغه: خطبه ۲۷)

## سیره اجتماعی معصومین علیهم السلام

اصول ثابت در ابعاد مختلف اجتماعی:

### ۱. اصل حفظ حدودالله:

آیات قرآن در مورد حدود الهی:

❖ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (البقرة: ۲۲۹)

❖ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا (البقرة: ۱۸۷)

اسلام با تمام کلیتش حد است؛ احکام شریعت، حدود، دیات، واجب و حرام

ضرورت حفظ حد و مرزهای اسلام

## نمونه ها:

معصومان (ع) متولیان و نگاهبانان دین هستند ۲۳ سال زحمت

(۱) امام حسین:

- ❖ ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی
- (۲) امیر المومنین علی و رد درخواست برادرش عقیل تنها برای حفظ حدود الهی
- (۳) امیر المومنین علی و تصرف آب و آزاد گزاردن آن برای معاویه و سربازانش

## سخت کوشی در حفظ حدود و اجرای آن:

(۱) دستور قطع دست زنی از اشراف که سرقت کرده بود

- ❖ (انما هلك من كان قبلکم بمثل هذا، كانوا یقیمون الحدود علی ضعفائهم، ویترون اقویاءهم و اشرافهم فهلکوا)

(۲) جمله حضرت علی درباره امانت گرفتن گردنبنند دخترش از بیت المال که اگر امانت نگرفته بود هر اینکه دستش را قطع می کردم.

## ۲. اصل تعادل و میانه روی:

- ❖ بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (تفسیر صافی: ج ۲، ص ۶۳۷)
- ❖ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُعْتَدِلَ الْأَمْرِ غَيْرَ مُخْتَلَفٍ (میانه رو بود)
- ❖ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا (افراط و تفریط محکوم است، امت اسلامی امت وسط معرفی شده)
- ❖ الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ وَ مِنْهَا مَنْفَعُ السَّنَةِ وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ (نهج البلاغه: خطبه ۱۶)
- ❖ الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۷)

## نمونه هایی از قلمرو اصل اعتدال:

- در دوستی و دشمنی باید تعادل باشد (رد بغض افراطی، و حب افراطی)
- تعادل در اتباع الهوی
- تعادل در انفاق
- تعادل در گفتار و سخن

نقطه مقابل اعتدال اسراف و تبذیر است

تبذیر: التفریق و أصله القاء البذر و طرحه، فاستعیر لكل مضیع لماله

السرف: تَجَاوَزُ الْحَدَّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ وَإِنْ كَانَ فِي الْإِنْفَاقِ أَشْهَرَ

### اسراف در قرآن:

تجاوز از حد در انفاق: (فرقان: ۶۷)

تجاوز از حد در قضاوت: (غافر: ۲۸)

تجاوز از حد در قصاص: (الاسراء: ۳)

تجاوز از حد در اعمال غرایز جنسی: (اعراف: ۸)

تجاوز از حد حلال: (الزمر: ۵۳)

### ۳. اصل عزت، عزتمداری و عزت خواهی:

عزت: قوت، شدت، غلبه (در سخن گفتن و خطابه یعنی غلبه کردن)

تعزیز به معنای تقویت: إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ (یس: ۱۴) . با فرستادن سوم تقویت کردیم

عزیز از اسماء الهی یعنی کسی که غالب و مقتدر است و مغلوب نمی شود (از اسماء حسنی الهی)

در اصطلاح: حالتی است در انسان که مانع می شود، مغلوب گردد.

دو معنای:

(۱) مدح: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ (المنافقون: ۸) همان حقیقت عزت، عزت مستمر و جاودانه است.

(۲) ذم: عِزَّةُ الْكُفَّارِ: بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ (ص: ۲) عصبیت و حمیت مذموم و ناپسند کفار است.

### معنای مخالف:

عزت در مقابل ذلت به معنی مرعوب شدن، مغلوب شدن، خواری و ظلم پذیری

در اصطلاح علم اخلاق عزت عبارت از سکینه و وقار است.

### عزت در قرآن:

عزت از کمالات مطلوب انسان به شمار می رود (تلاش انسان برای رسیدن به آن با موانعی روبرو است)

عزت از موانع و عوامل انحراف نگاه مادی به قدرت و غلبه ظاهری است:

- ❖ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (مریم: ۸۱)
- ❖ و می گفتند: وَ قَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَلِيُونَ (الشعرا: ۴۴)
- ❖ بَشِيرًا الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لِلَّامِ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أ يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (النساء: ۱۳۸ و ۱۳۹)

- ❖ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا (فاطر: ۱۰)
- ❖ يَا: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَآكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (المنافقون: ۸)

نمونه ها:

- (۱) عزت در سیره علی که ۲۵ سال سکوت عزتمندانه را تحمل کرد ولی زیر بار ظلم نرفت
- (۲) عزت در سیره حسنین، سخاوت کرامت و عزتمندی به ویژه در قیام عاشورا: هیئات منا الذلّة
- ❖ امام حسین: فَلَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا بِغَيْرِهَا فَإِنَّهُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ (بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۴۴)
- (۳) درخواست از امام: امام فرمود: در رقعۀ ای بتویس تا از مذلت سؤال حفظ کنی
- (۴) جریان عقب اموال امام توسط ولید بن عتبۀ بن ابی سفیان حاکم مدینه و عدم تحمل امام و قسم یاد کرد که شمشیر می کشد و اصحاب حلف الفضول را به یاری می طلبد

- ❖ أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ؛ وَهِيَ هَاتَا مِنَ الدَّلَّةِ (لهوف: ص ۸۵ تا ۸۸)

#### ۴. اصل رفق و مدارا/ جاذبه و دافعه:

- نرم خوئی و رفتار ملائم با مردم داشتن در مقابل تندخویی
- در قرآن: علت بعثت و رسالت، رحمت و مهربانی است:
- الگوی قرآنی: اهل گذشت است نه تکبر، اهل حلم است و تحمل اجتماعی اش بسیار است
- در روایات و سیره:

- ❖ إِنَّا أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ / مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ
- ❖ الرَّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ:

سبب دوام مناسبات صحیح اجتماعی  
عامل موقعیت پیامبر اسلام در مدینه و تشکیل حکومت و جامعه اسلامی

- ❖ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنَّا لَقَدْ وَاسْتَعْفِرُ لَهُمْ (آل عمران: ۱۵۹)

سیره معصومان در روابط:

خوش معاشرت بدون ذلت

متواضع بدون اسراف

با رقت قلب و رحیم بدون تکلف و تصنع

حضرت علی : کان رسول الله يتفقد اصحابه ويسال الناس عما فى الناس: دل جوئی از مردم و پرس جو از آنها درباره مشکلات.

حضرت علی در عهد نامه مالک اشتر: فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ

سیره امام حسن: در برخورد با مردم رفتار مدارا و تبیین و توجیه کارهایش از جمله صلح

امام باقر: ان لكل شى قفلا و قفل الايمان الرفق

## سیره مدیریتی ائمه معصومین علیهم السلام

مدیریت: اداره کردن و تدبیر امور ، رهبری و هدایت

در اصطلاح خاص مدیریت با رفتار و سیره ائمه خیلی تطبیق نشده اما به معنی کلی مدیریت در حکومت امام علی کار شده

حاکم همان مدیر جامعه است : خطبه ۴۵ : لابد للناس من امیر بر او فاجر

مدیریت اسلامی: اداره امور جامعه بر اساس ارزش ها و قوانین اسلامی

مدیریت غیر اسلامی: اداره امور جامعه به شیوه اصول علم به شیوه غربی با حاکمیت اندیشه های سکولاری

### اهداف مدیریت و حکومت در اسلام:

نیاز ضروری جامعه برای جلوگیری از هرج و مرج و تأمین حوائج متنوع زندگی اجتماعی

اجرای قوانین اسلام و حاکمیت ارزش های دینی، اجرای حدود الهی و احقاق حقوق مظلوم

روایات:

- ❖ الناس علی دین ملوکهم
- ❖ الناس بامرائهم ائمه من آبائهم
- ❖ حضرت علی: ان محلی منها محل القطب من الریح ینحدر عنی السیل ولا یرقی الی الطیر

### مهمترین اصول مدیریت:

- اصل برنامه ریزی
- سازمان دهی (تقسیم کار، حدود و وظائف، میزان اختیارات ...)

- هماهنگی: تقویت انسجام سازمانها، جلوگیری از اصطکاک، باز دهی بیشتر، سرعت بخشیدن به کارها
- نظارت: نظارت بر اجرای برنامه
- ارزشیابی و بازخوردگیری: جهت تقدیر و تشویق یا تنبیه

## اصول مدیریت در سیره ائمه علیهم السلام

### (۱) خدا محوری و ایمان گرایی:

- رد کردن پیشنهاد ابو سفیان برای کنار زدن ابوبکر از خلافت و رسیدن آن حضرت به خلافت
- باقی بودن حضرت علی در مدینه در جنگ تبوک با وجود شایعه های منافقان بر علیه حضرت ولی پذیرش به دلیل خدامحوری
- والله لی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا (خطبه ۳۳)
- برخورد آن حضرت با عقیل، حرارت آتش، سرقت از یک فرد بهتر از سرقت از بیت المال است

### (۲) آخرت گرایی:

- نفی دنیا نیست بلکه امکانات دنیوی را در راستای اهداف اخروی قرار دادن است.
- آخرت گرایی یعنی قلبش به ارزشهای الهی، ایمان به ارزشهای متعالی، اعتقاد به گذرگاه بودن دنیا و قرار گاه نبودن آن
- خطبه ۴۲ نهج البلاغه:
- ❖ بدانید که دنیا بشت کرده و شتابان می گذرد ... بدانید که آخرت روی آورده است و هر یک از آن دو را فرزندانی است شما فرزندان آخرت باشید نه دنیا. زیرا هر فردی در روز رستاخیز به پدرش می پیوندد

### (۳) اصل مساوات در برابر قانون و سوء استفاده نکردن از قدرت:

- هر حقی برای مردم است برای حاکمان هم هست و هر تکلیفی است برای حاکم نیز است.
- نقل زراره از جریان شرب خمر ولید بن عقبه و حکم حد شرب خمر بر او توسط حضرت با پیشنهاد عثمان
- حکم شرب خمر نجاشی از دستداران امام علی و کسی که معاویه را هجو می کرد توسط آن حضرت
- جریان گم شدن زره حضرت در جنگ صفین؛ نزاع او با یهودی و پذیرش حکم قاضی به دلیل نداشتن شاهد

#### ۴) تدبیر و جامع نگری:

- عاقبت اندیشی و جامع نگری امام حسن در صلح با معاویه
- جامع نگری امام حسین در منزل زباله پس از شنیدن شهادت مسلم و خیانت شیعیان
- ❖ بسیار آب بردارید و سیراب شوید و حرکت کنید:
- یا عاقبت اندیشی و جامع نگری در برپائی نهضت کربلا

#### ۵) رعایت مصالح مسلمین بویژه مستضعفان:

- الله الله فی الطبقة السفلی
- صلح امام حسن: علی ان اصحاب و شیعتہ آمنون علی انفسهم و اموالهم و نسائهم و اولادهم

#### ۶) شفاف بودن سیاست ها و برنامه ها:

- مخفی نگه داشتن فقط در مواردی که امکان سوء استفاده دشمن باشد
- تعارف شفاف سازی امام حسین در منزل زباله به دنبال شهادت مسلم و مطلع کردن قضایا با برادران مسلم

امام حسین:

- ❖ قد أتانا خبر فظیع قتل مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبد الله بن یقطر و قد خذلنا شیعتنا فمن أحب منکم الانصراف فلینصرف غیر حرج لیس علیه ذما

#### ۷) پرهیز از چالش و تفرقه:

- نظام هستی بر محور توحید استوار است، لزوم وحدت و هماهنگی بین ارکان مدیریت در جهان
- وحدت در رهبری، وحدت در قانون و اجرای آن، وحدت در عمل و تعامل، وحدت در روش، وحدت در جهت و

هدف

نمونه ها:

- سکوت امام علی در ۲۵ سال حکومت خلفا برای ایجاد وحدت و تقویت پایه های اسلام نوین
- پذیرش مسئله حکمیت علیرغم عدم میل قلبی خود و به اصرار اصحاب و یارانش به خاطر حفظ وحدت و نظام

اسلامی



**۸) مروت و شفقت:**

نمونه ها:

- در برخورد با دوستان و یاران و همچنین در برخورد با دشمنان
- سفارشات پیامبر و امام علی در جنگها، در برخورد با اسراء آنان و بچه ها و پیرمردان
- برگرداندن همه وسائل کشته شدگان جنگ نهروان به آنها که ممکن بود
- تمرد غلام از پاسخ به صدا زدن امام و علت سهولت رفتار امام و بیان امام بر اینکه:
- ❖ خداوندا شکر می کنم که مرا از کسانی قرار داد که خلافتش از او ایمن هستند، پس به خاطر خدا برو که آزاد هستی
- آزاد گذاشتن آب برای دشمنان

**۹) کنترل و نظارت:**

- نامه امام به کارگزاران در عین تهره:
  - ❖ کسی را بجای خود بگمار و با گروهی از یاران از شهر خارج شو تا به باغ ها و روستاهای سواد برسی و آن ها از کارگزاران من در منطقه دجله و غریب پرس و جو کن و در رفتار آنان بنگر
  - بازخواست امام از شریح قاضی زمانیکه منزل گرانی را خریده بود
  - بازخواست های آن حضرت نسبت به اشعث بن قیس، زیاد بن ابیه، عبد الله بن عباس
- شایسته سالاری، سازش ناپذیری، تشویق و تنبیه، نگاه توحیدی به قدرت، مشورت، جدیت و قاطعیت، بهره گیری از فرصتها